



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن  
The Organization for Emancipation of Women

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

سردبیر: مینو همتی

Email: sharahrezeaei.p@googlemail.com  
Managing editor: Sharareh Rezaei

مدیرمسئول: شراره رضایی

3rd Series, Issue 13

نشریه:

سری سوم، شماره 13  
May 2013

عناوین

نقش زنان در جنبش کارگری  
ایران

فرخنده آشنا 1-2

مبارزه ی زنان، مبارزه ای صغی نیست!

نسیم روشنایی 3-4

گزارشی از اکتسیون اعتراضی  
بمناسبت هفته حمایت از  
کارگران زندانی کونبرک-سوند  
شیرین شکرزاده 5

سخنرانی در کنفرانس رهایی  
زن

دیانا نامی 6-7

نظرات میهمانان در کنفرانس  
رهايي زن

فاطمه فیلی 8

سخنرانی در کنفرانس رهایی  
زن

ثریا شهبازی 8-9-10

ابراز نظر میهمانان کنفرانس  
رهايي زن در استکهلم

باران مصلح 10

سخنرانی در کنفرانس رهایی  
زن

رعنا کریم راده 11

پیام تلفنی به کنفرانس رهایی  
زن، استکهلم

آزاده شیرازی 11-12

و قاسم فرطوسی

سخنرانی در کنفرانس رهایی  
زن

مینو همتی 13

ایران زندانی برای زنان

فاطمه فیلی 14

من زنم انسانم .....

فاطمه پرنک 14

کودکان کار و خیابان  
شیرین شکرزاده 15

"زن و ادیان" بخش پایانی  
شهرلا وکیلی تجره 16

ستون خبری: زندگی "کارگران  
سکس" بر صحنه ی تئاتر آلمان 17

اطلاعات مربوط به نمایندگان و  
نماس با سازمان رهایی زن 18

نقش زنان در جنبش کارگری ایران

مصاحبه مینو همتی با فرخنده آشنا از چهره های سرشناس فعالین کارگری  
به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر



دگر بار اول ماه می فرا میرسد و خیابان ها در اکثر نقاط جهان شاهد مارش کارگران برای همبستگی و اتحاد طبقاتی خواهد بود. اول ماه می امسال درحالی فرا میرسد که بحران ادوار سرمایه داری، جهان را فرا گرفته و هزینه ی این بحران را از سفره ی خالی کارگران طلب میکند، توحش این نظام اقتصادی- سیاسی نابرابر تاحدی ست که تحمیل فقر و گرسنگی به اکثریت جامعه، امری عادی و روزمره شده است. برون رفت از این وضعیت فلاکتناز در گرو مبارزه ی متحد مردان و زنان کارگران برای تحقق و سعادت کل جامعه می باشد. اول ماه می، روز جهانی کارگر فرخنده باد. در همین ارتباط در آستانه ی روز جهانی کارگر، با فرخنده آشنا از چهره های سرشناس فعال کارگری به گفتگو نشستیم.

**مینو همتی:** فرخنده آشنا، باسلام گرم خوش آمدید به برنامه ی رهایی زن.

**فرخنده آشنا:** ممنون، من هم سلام میکنم خدمت شما، همچنین بینندگان عزیز شما.

**مینو همتی:** همانطور که در ابتدای صحبت هایم گفتم در آستانه ی اول ماه مه هستیم، روز جهانی کارگر. اولین سوالم اینست که اول ماه می امسال در چه شرایطی برگزار می شود و از نظر شما نقطه ی مطالبات کارگران در این روز چه خواهد بود؟

**فرخنده آشنا:** اولاً من پیشاپیش این روز جهانی کارگر را تبریک میگویم. این روز یک روز بسیار مهمی است برای طبقه ی کارگر در سراسر جهان، روزی ست برای طبقه ی کارگر، برای اینکه خودش مستقل به میدان بیاید به عنوان یک طبقه ای که خودش سازنده است و خودش را مطرح کند و به نوعی بیاید پلاتفرم خودش را بدهد و اعتراض کند به سیاست های نابرابر و ضدبشری که در جامعه دارد تشدید می کندو پیش میرد، علیه اینها به میدان بیاید و به عنوان یک طبقه، به عنوان سازمان دهندگان آن جامعه از اهمیت بسیاری برخوردار است برای طبقه ی کارگر و کمک می کند به باور طبقه ی کارگر، به عنوان سازندگان جهان، باور می کند به عنوان نیروی عظیمی که می تواند تغییرات اساسی در جامعه بوجود بیاورد و چه روزی مهمتر و برجسته تر از این روز، که یک روزی بنام کارگر برای طبقه ی کارگر است و آنهم سراسری و جهانی است و این از اهمیت بسیاری برخوردار است.

**مینو همتی:** فرخنده آشنا، اگر بخواهید یک گذری کنید به شرایطی که کارگر دارد با آن دست و پنجه نرم میکند، روی چه نکاتی و نقاطی تکیه می کنید؟

**توجه:** نظر به اینکه نظرانی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، از این شماره مبادرت به گشودن "ستون تریبون آزاد" نموده و اینگونه نظرات را در این ستون منتشر کرده و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم که در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.

با سپاس مینو همتی

**فرخنده آشنا:** ببیند اگر بخوام وضعیت کلی طبقه ی کارگر را ببینم مسئله کمی حقوقی ست که به کارگران میدهند، بیکارسازی هاست، مسئله ی حقوق معوقه است، تعطیل سازی مراکز تولید و قراردادهای موقت، همه ی اینها شرایط دشواری برای زندگی و معیشت کارگران و خانواده های کارگری مزدبگیران بوجود آورده و اینها مسایلی ست که باید بخصوص در یک همچنین روزی بتوانند پلاتفرم شان را در اعتراض به این شرایط وحشتناکی که در تعرض سرمایه داری به معیشت کارگری بوجود آورده باید به آن اعتراض کرد.

ما سال های قبل، حرکت های خوب و قدرتمندی از طبقه ی کارگر در ایران، علیرغم تمام سرکوب ها و شرایط دشواری که رژیم بوجود آورده برای موازنه ی کارگری و می دانید که با کوچکترین اعتراضی کارگران را به بهانه های مختلف زندانی می کنند، از کار اخراج می کنند و یا کارگران مجبور به فرار می شوند، در رابطه با سرکوب های عظیمی که در رابطه با جنبش کارگری بخصوص همیشه دولت های سرمایه داری انجام میدهد باید به این شرایط اعتراض بشود، سال های قبل کارگران و تشکل های کارگری توانستند به یک توافقی برسند و پلاتفرمی را رو به جامعه اعلام کنند و مطالبات پایه ای طبقه ی کارگر را رو به جامعه اعلام کنند که به نظرم خیلی حرکت خوبی بود، بخصوص فراتر از مسایل برخورد کرده بودند، به مسئله ی حقوق کودکان، که نباید کودکان کار کنند و کودکان خیابانی نباید باشد، در رابطه با تحصیل رایگان و بهداشت رایگان در واقع یک مطالبات پایه ای را به طبقه ی کارگر رو به جامعه مطرح کرده بود و به نظر من حرکت خیلی مفیدی بود و باید امیدوار بود که بازم فعالین کارگری و کارگران بتوانند تلاش کنند که رو به جامعه بیایند و اعتراضشان را به این وضعیت اعلام کنند و مطالباتشان را هم در این میدان مبارزه مطرح کنند.

**مینو همتی:** صحبت از مطالبات کردید، به نظر شما مهمترین مطالبه ای که می تواند امسال مطرح کنند باتوجه به شرایطی که در ظرف پارسال تا به امسال داشتند چیست؟

**فرخنده آشنا:** کلاً معیشت خانواده ها در خطر است و در مرز گرسنگی قرار گرفته اند می بینید که حقوق و دستمزدی که دولت اعلام می کند چند برابر خط فقری ست که دارد در آن جامع مطرح می شود، بنابراین این نشان دهنده وخامت اوضاع طبقه ی کارگر است به لحاظ معیشتی، ولی آنچه که به نظر می آید، دارند تلاش می کنند بخصوص فعالین مستقل کارگری در رابطه با افزایش دستمزدهاست که کارگر نمی تواند به حیات خودش ادامه بدهد. بنابراین دست به اعتراضاتی زده است منتها باید یک هوشیاری را در این شرایط داشت، از خشم طبقه ی کارگر اجازه ندهیم که نیروهای دولتی، خانه ی کارگری ها، انجمن های اسلامی که یک روزی بنا به ضرورت شرایط

بین مردم جامعه جا بیندازند و به شعور عمومی و به خواست طبقاتی طبقه ی کارگرتبدیل کنند، یک نقش اساسی ست و باید به تلاش های این زنان کمک شود، باید جامعه ی مردسالار به این نیروی عظیمش در واقع به نیمی از نیروی عظیمش اهمیت بدهد و کمک کند که زنان بتوانند در واقع شایستگی و لیاقت های خودشان را بروز بدهند و فرصت بروز دادن ها را طبقه کارگر باید بوجود بیاورد، باید این امکان بوجود بیاید که زنان بتوانند در درون جنبش طبقه ی کارگر فعالیت کنند باید تجربه پیدا کنند، باید زنان احساس کنند که بهشان اعتماد دارند و شرایطی را فراهم کنند که شایستگی هایشان را در مبارزه ی طبقات کارگری بروز بدهند، چرا که اولین مستعد طبقه ی کارگر و سهیم در این مبارزه ی منافع طبقه ی کارگر، خانواده های کارگری هستند و اولین اتحادی که یک کارگر میتواند بر علیه سرمایه داری ایجاد کند در واقع با همسر، دختر و پسر خانواده است.

**مینو همتی:** فرخنده آشنا چه پیامی برای کارگران دارید؟

**فرخنده آشنا:** من واقعاً امیدوارم و آرزو می کنم که با تلاش طبقه ی کارگر و بخصوص فعالین کارگری بتوانند این روز به میدان بیایند و بتوانند مطالبات کارگری را اعلام کنند و در شرایط ویژه کنونی این آرزو را هم دارم که به هر حال فعالینی که فکر می کنند درون سیستم می شود مشارکت کرد در واقع این شهامت را داشته باشند که این دندان طمع مشارکت در پروژه های دولتی را بکشند. همکاری باسیستم در دورن آن در واقع حل شدن درون سیستم است و چپ علیه سیستم سرمایه داری ست نه اینکه به جایایی قدرت در دست قدرتمندان کمک کند. ما همیشه ضررکردیم، همیشه باختیم سر اینکه نیروی عظیم طبقه ی کارگر را به سیاهی لشکر تبدیل شد. این سیاست لیبرالی ضد کارگری، نیروی عظیم مبارزه ی طبقه ی کارگر را در حصار انداختند و شرایطی را بوجود آوردند که سیاهی لشکر بورژوازی بشود، باید در این شرایط بسیار هوشیار باشیم و اجازه ندهیم که خدشه ای به مبارزه ی مستقل طبقه ی کارگر وارد کنند، ما هر جا مستقل با پلاتفرم های خودمان با نگاه طبقاتی خودمان با نیروی عظیم و مستقل خودمان به میدان آمدیم توانستیم مطالبات خودمان را بدست آوریم.

امسال وضعیت خاصی ست باید به میدان آمد، باید بگویم که ما به این وضعیتی که برای ما ایجاد کردید بخصوص با این فشاری که بر معیشت طبقه ی کارگر است بی حقوقی مطلق که بوجود آورده اند، تشکل های کارگری را سرکوب می کنند، کارگر قدرت چانه زنی اش را، قدرت مبارزه اش را از دست داده، بخاطر اینکه دارند سرکوبش می کنند مانع ایجاد تشکل های کارگری میشوند باید به اینکه چرا نمی گذارند به کارگرانی که به حق و حقوق خودشان آگاه هستند و معتزضند دستگیر و زندان میشوند اعتراض کرد، باید خواهان آزادی فعالین کارگر، خواهان آزادی زندانیان سیاسی دراین شرایط مهم باشیم و

سیاسی دولت سرمایه داری چماق سرکوب بودند و در چنین شرایطی امروز سعی می کنند که این اعتراض و این خشم طبقه ی کارگر را در واقع در کانال هایی یا کانالیزه اش کنند که در دعوای جناحی حاکمیت برسر سفره ی طبقه ی کارگر اینها نیروی طبقه ی کارگر را به سیاهی لشکرهای سیاست های سرمایه داری تبدیل کنند، این خیلی مهم است که ما در چنین شرایطی بتوانیم این مرزبندی را که با کسانی که در درون سیستم حاکمیت کار می کنند را جدا کنیم و بتوانیم مبارزه ی مستقل طبقه ی کارگر را با تشکل های مستقل کارگری پیش ببریم و بگویم که مشارکت درون سیستم، اخته است و در چرخه ی سیستم سرمایه داری ست و هیچ سودی را برای طبقه کارگر ندارد. مگر اینکه طبقه ی کارگر بتواند مبارزه کند برای ایجاد تشکل های مستقل با پلاتفرم مستقل خودش و به میدان بیاید، با طرح مطالبات پایه ای خودش به میدان بیاید، این ویژگی ست که به نظرم طبقه ی کارگر باید در مبارزه اش برای یازده اردیبهشت برای طرح مطالباتش این مرزبندی ظریف، هوشیارانه و قدرتمند را داشته باشد.

**مینو همتی:** صحبت از مطالبات است، سهم زنان کارگر از مبارزه برای بهبود شرایط کارگر و افزایش دستمزدها به چه میزانی قابل تشخیص است؟

**فرخنده آشنا:** مسئله ی زنان، در ایران مسئله ی بسیار عمیق و جدی ست، ما می بینیم که زنان در هر اعتراضی واقعاً نقش عظیمی داشتند، شما خودتان در تلویزیون بارها از اعتراضات اجتماعی نمایش دادید که زنان شجاعانه در مقابل رژیم می ایستند و مبارزه می کنند، رژیم در بدو بوجود آمدنش، زنان را از بنیاد سرکوب کرد، شهروند درجه دو به حساب آورد، اما مبارزه ی این زنان و نقش اجتماعی شان در اعتراضات، دنیا را شگفت زده کرده و ما دیدیم که بخصوص در تلویزیون شما که در تلاش های صادقانه هستید که بتوانید حق و حقوق زنان را نشان دهید که چطور می شود مبارزه را پیش برد و ما مقاومت شجاعانه ی زنان را دیدیم.

زنان نیروی رادیکال عظیمی هستند که من باید اینجا بگویم که متأسفانه جنبش کارگری اصلاً به فکر بهره مندی از آن نیست. ببیند وقتی زنان در کارگاه صلح شرکت می کنند به چه موضوع با اهمیتی پرداخته اند و یا مادران خاوران ما سال هاست فشار این مصیبت اجتماعی را علیه کشتار و قتل عام و نسل کشی افشاگری می کنند و با تمام سرکوب ها و فشارهایی که روی آنهاست، سعی می کنند که حافظه ی تاریخی جامعه را نسبت به این نسل کشی زنده نگه دارند، من فکر می کنم که مبارزه ی طبقه ی کارگر باید بتواند به این نیروی عظیم این امکان را بدهد که زنان بتوانند بیایند به جامعه و نقش زنان در خانواده های کارگری در طرح مطالبات طبقه ی کارگر و اینکه بتوانند این مطالبات را در

زنان طبقات کارگر، رنگین پوست، لژیون و زنان فرودست را نیز مدنظر داشتند و برای احقاقشان مبارزه می‌کردند. فمینیست‌های مارکسیست و سوسیالیست با سنتز مارکسیسم و سوسیالیسم و فمینیسم، هم به مارکسیسم و هم به فمینیسم عمق و جهان شمولی بیشتری دادند. مطالبات آنها بسیار رادیکال بود و هست و منافع بی‌شمار انسان فرودست در جهان را نمایندگی می‌کنند.

از آنجایی که تمام جنبش‌های اجتماعی و سیاسی از آبشخورهای ایدئولوژیک خاص خود می‌نوشیدند، لاجرم جنبش زنان نیز چشمه‌های ایدئولوژیک متفاوتی داشته است. آن بخشی از جنبش زنان که زنان را شهروندانی برابر با مردان، واجد حقوق مدنی برابر و آزادی برابر می‌خواهد، زنانی که باید بازیگران برابر با مردان در بازار آزاد باشند؛ زنانی که با آزادی و حقوق مدنی برابر با مردان بتوانند همچون مردان بورژوا، تحصیل، سرمایه‌گذاری، تجارت و رقابت کنند. این گروه را فمینیست‌هایی نمایندگی کرده‌اند و می‌کنند که در غرب ترجیحاً سفیدپوست، بورژوا و دگرجنس‌گرا بوده‌اند و در دیگر کشورها نیز زنان بورژوا اعضای اصلی این نحله بوده‌اند. مبارزه و تحقق حقوق مدنی برابر و رفع تبعیض جنسی همیشه جزء مطالبات زنان طبقات فرودست و فمینیست‌هایی که آنها را نمایندگی می‌کردند نیز بوده، اما این موارد افق نهایی مطالبات جنبش‌های بورژوایی زنان بود و هست و از مطالبات دیگر زنان فرودست با نژاد، قومیت و گرایش جنسی متفاوت چشم پوشی کرده‌اند (البته اکنون بخش اعظمی از فمینیست‌های بورژوا زنان لژیون را نیز در خود پذیرفته‌اند). همچنین، آن نحله از جنبش‌های زنان که به جز احقاق آزادی و برابری‌های سیاسی، مدنی و جنسی بر مسائلی مانند طبقه، نژاد و قومیت و گرایش جنسی، و منافع و مشکلات زنان اقلیت تأکید داشته است، همانطور که در پاراگراف قبلی نیز به آن اشاره شد، از آبشخور مارکسیسم و سوسیالیسم و در کل آموزه‌ی چپ تغذیه کرده است.

اما خطری که همواره جنبش زنان را تهدید کرده است، تبدیل شدن آن به جنبشی صنفی است. به این معنا که زنانگی آن را از دیگر جنبش‌ها جدا می‌کند، منافع بخشی از زنان جامعه را نمایندگی می‌کند و به احقاق مطالبات حداقلی آن دسته اکتفا می‌کند. همچون جنبش‌های صنفی که افق مطالباتی



## مبارزه‌ی زنان، مبارزه‌ی صنفی

نیست!

نسیم روشنایی

ماتریالیست، فمینیست‌های سیاه پوست، فمینیست‌های پسا استعماری، فمینیست‌های پست و مدرن و پسا ساختارگرا، آنارکوفمینیست‌ها، فمینیست‌های محیط زیست‌گرا و مانند این. بخشی از فمینیست‌ها ستم بر زنان را صرفاً ستم جنسی تلقی می‌کردند که از سوی جوامع پدرسالار بر زنان تحمیل شده است مانند فمینیست‌های لیبرال و رادیکال. آنها از نقش اقتصاد و نقش محوری شیوه‌ی تولید در استثمار و ستم بر زنان چشم می‌پوشیدند. برخی دیگر نیز به کسب حقوق مدنی و سیاسی برابر با مردان کفایت می‌کردند. بخش دیگری نیز ساختار مردانه و فالوس محور زبان و فرهنگ را منشأ سرکوب و ستم بر زنان می‌دانستند. آن بخش از جنبش زنان که اقتصاد سرمایه‌داری را از عوامل استثمار و ستم بر زنان در نظر نگرفته است را می‌توان زیرمجموعه‌ی متکثری از جنبش‌های بورژوایی زنان نامید. از فمینیست‌های محافظه‌کار، رادیکال و لیبرال تا برخی از فمینیست‌های پست مدرن و محیط‌زیست‌گرا در این مجموعه جای می‌گیرند. اما از آغاز شکل‌گیری جنبش زنان نحله‌هایی در کل جریان فمینیسم شکل گرفتند که مرد و مردسالاری یا فالوس محور بودن زنان را تنها ریشه‌ی ستم بر زنان نمی‌دانستند اگرچه با جامعه‌ی پدرسالار مبارزه می‌کردند. همچنین اگرچه احقاق حقوق مدنی برابر با مردان جزء مطالباتشان بود اما مطالباتشان به اینها محدود نمی‌شد. این دسته بخشی از فعالین موج اول و دوم فمینیستی، فمینیست‌های سوسیالیست، مارکسیست و سیاه پوست بودند که منافع

از آغاز شکل‌گیری جوامع طبقاتی تا جامعه‌ی سرمایه‌داری کنونی، زنان که نیمی از جمعیت مردم جهان را تشکیل داده‌اند، علی‌رغم بار سنگینی که بر دوش کشیده‌اند، تحت تبعیض، ستم، سرکوب و استثمار بوده‌اند. طی این دوپست سال مبارزه‌ی جنبش‌های گوناگون زنان با اتحاد و مبارزه و جدیت خویش توانسته‌اند بخشی از حقوق انسانی پایمال شده‌ی زنان را احقاق کنند. اکنون وضعیت اکثریت زنان جوامع پیشرفته‌ی غربی به یمن مبارزات فمینیستی و مبارزات بیشمار برای آزادی و برابری حتی با 50 سال پیش قابل مقایسه نیست و زنان امروز از دستاوردهای عظیمی که مبارزات فمینیستی و دیگر مبارزات آزادی و برابری خوهانه به ارمغان آورده است، بهره‌می‌برند. البته، در بسیاری از جوامع هنوز جنبش زنان در راه مبارزه برای ابتدایی‌ترین حقوق خویش گام برمی‌دارد. اما نه در جوامع غربی پیشرفته و نه در جوامع دیگر مبارزه‌ی زنان به پایان نرسیده است و کماکان راه درازی پیش روی خویش دارد. چرا که هرچه آگاهی جوامع ارتقا یابد، ارتقای سطح آگاهی زنان کنشگر آن جامعه آنان را وخواهد داشت تا برای رهایی و تغییر هرچه بنیادی‌تر خود و جامعه‌ی خویش مبارزه کنند.

در این نوشتار قصد داریم به خطری که همواره جنبش زنان را تهدید کرده و می‌کند، بپردازیم اما پیش از آن با هم خط کلی مطالبات زنان را به طور محتوایی و مختصر مرور خواهیم کرد.

یکی از اولین مطالبات جنبش زنان در جوامع مدرن برابری سیاسی و به طور ویژه احقاق حق رای برابر بوده است. به این معنا که زنان نیز همچون مردان از نگاه جامعه به عنوان شهروندی که با مردان حقوق برابر اجتماعی و سیاسی و قانونی دارند در نظر گرفته شوند. رفته رفته زنان مبارز برای به دست آوردن دیگر آزادی‌ها و برابری‌های سیاسی و اجتماعی مانند آزادی بیان، حق تحصیل، حق طلاق، حضانت فرزندان، آزادی سقط جنین و حقوق مدنی برابر با مردان، کم شدن ساعات کار، بهبود شرایط محیط کار، دستمزد برابر با مردان و مانند این جنگیدند. در طی این مبارزه‌ی دوپست ساله، نحله‌های گوناگون فمینیستی شکل گرفتند و مبارزه کردند مانند فمینیست‌های موج اول و دوم، فمینیست‌های محافظه‌کار، لیبرال، اگرستانسالیست، رادیکال، فمینیست‌های مارکسیست، سوسیالیست،

-شان به طور خاص بر مطالبات صنفی شان است و در حال حاضر در بهترین حالت برای بهتر شدن شرایط کار کارگران و بالابردن دستمزدها یا پایین نرفتن آن و مانند این ناچا به چانه زنی یا سرمایه داری هستند، جریان های بورژوازی مسلط بر جنبش زنان نیز چنین پروسه ای را طی می کنند. بی شک زنان فمینیستی را به یاد می آورید که صرفاً چون زن هستند، فمینیست شده اند و نابرابری جنسی تنها انگیزه و افق مطالباتی آنان است! افق مبارزاتی چنین جریان های فمینیستی بورژوازی همواره به گونه ای بوده که پس از احقاق چندی از مطالبات درنهایت با طبقه ی حاکم به توافق رسیده است و پروسه ی مبارزه را به رکود کشانده اند.

اما چرا نباید افق مطالباتی جنبش زنان صنفی و حداقلی باشد؟ چه پاسخی از این جامع تر به این پرسش می توان داد که زنان علاوه بر زن بودن انسان هستند و همچنین به جز هویت جنسی و گرایش جنسی واجد طبقه، نژاد، قومیت و ملیت، مذهب، جایگاه اجتماعی خاص خود نیز هستند. درحالی که مطالبات بخش اندکی از زنان طبقات فرادست (بورژوازی و بخشی از خرده بورژوازی) به متحقق کردن برابری مدنی و اجتماعی و سیاسی در جامعه محدود می شوند. به این ترتیب منافع این گروه زمانی برآورده می گردد و زمانی به مطالباتشان دست می یابند که بتوانند آزادانه همچون مردان هم طبقه شان به فعالیت اجتماعی و اقتصادی بپردازند. زمانی که مانع ستم جنسی برای زنان بورژوا در جامعه برداشته گردد، آنها به مطالبات خویش دست یافته اند. اما، برعکس، خیل عظیم زنان طبقات فرودست (طبقه ی کارگر با تمام تکتک خویش) تنها از ستم جنسی جامعه ی پدرسالار رنج نمی برند، بلکه نظام اقتصادی سرمایه داری و نیز نژادپرستی و هموفوبیا و... آنها را چون مردان طبقات فرودست استثمار می کند. از این روی، منافع این زنان نیز درنهایت در گرو برآورده شدن منافع مردان طبقه ی کارگر و فرودست خواهد بود. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد اگرچه رفع تبعیض جنسی و آزادی جنسی، آزادی بیان، آزادی پوشش، احقاق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی افق مطالباتی زنان طبقه ی کارگر نیز هستند، اما مبارزه ی آنان صرفاً با به دست آوردن این آزادی ها و حقوق اجتماعی به سرانجام نمی رسد. مبارزه ی زنان طبقه ی کارگر علاوه بر مبارزه با سنن و عرف و مذاهب ارتجاعی و پدرسالار، مبارزه با سیستم اقتصادی- سیاسی است که باعث استثمار بخش عظیمی از مردم جهان می گردد، سیستمی که حتی جنسیت زنان را به کالا تبدیل کرده و سوداگری می کند. در چنین نظام اقتصادی که بخش عظیمی از مردم، بسیار کمتر از ارزشی که می آفرینند دستمزد می گیرند، استثمار می شوند و ناچارند برای بقای خود نیروی کار خود را به هر قیمتی به سرمایه داران بفروشند، چگونه ممکن است تنها احقاق آزادی و برابری حقوق مدنی و سیاسی کل مطالبات مبارزات زنان را تشکیل دهد؟! تکلیف زنان بورژوا و نقش آنها در جنبش زنان روشن است، آنها درنهایت درصد تحقق منافع طبقاتی خودشان هستند. اما دیگر فعالین زن که به بورژوازی تعلق ندارند باید این مسئله ی مهم را همواره در مبارزه ی خویش درنظر داشته باشند که جنبش زنان جنبش صنفی یک صنف-جنس خاص به نام زن نیست، بلکه، جنبشی است برای رهایی زنان و مردانی که تحت ستم، سرکوب، استثمار و کنترل طبقات فرادست، ارتجاع و عرف و سنن جامعه ی پدرسالار هستند. جامعه ای که هنوز در آن دستمزد مردان و زنان برابر نیست؛ جامعه ای که مردان و زنان و کودکان و همه ی موجودات زنده را برای به چنگ آوردن سود بیشتر استثمار می کند؛ جامعه ای که تجارت سکس در آن کماکان انجام می شود؛ کودکان کار و گرسنه و مادران روسپی تولید می کند؛ جامعه ای که یک میلیارد انسان در بیماری و گرسنگی و نابودی به سر می برند و تنها یک درصد جمعیت جهان از تمام منافع و مواهب زمین به تمامی بهره می برند و باقی مردم و منابع زمین را استثمار می کنند، درحالی که اگر پروسه ی تولید و توزیع منصفانه و عاقلانه باشد، برای تمام انسان ها غذا و امکانات کافی وجود خواهد داشت؛ متأسفانه ما در چنین جهانی زندگی می کنیم. در چنین شرایطی، آیا جامعه ی جهانی کنونی صرفاً با برآورده کردن حقوق مدنی و سیاسی برابر برای زنان، جامعه ای برابر و آزاد و قابل زیستن خواهد بود؟ اگر بخشی از زنان جهان امروز به تحقق مطالبات حداقلی قانع باشند و تا مطالباتشان برآورده شد دست از مبارزه بکشند و در استثمار طبقات فرودست اعم از زن و مرد با حکومت ها شریک شوند، در جایگاهی قرار گرفته اند که زنان و مردان خودآگاه طبقه ی کارگر باید با آنها مبارزه کنند و خواستار احقاق آزادی و برابری واقعی برای تمام انسان ها نه تنها در حقوق مدنی و اجتماعی و سیاسی، بلکه در پروسه ی کار و تولید نیز باشند. ما به مثابه ی زنان مبارز تنها مسئولیت بهبود شرایط زنان را عهده دار نیستیم، بلکه برآنیم تا با تغییر رادیکال شرایط موجود، انواع گوناگون ستم، استثمار، سرکوب، خفقان و بی عدالتی را در تمام حیطه ها ریشه کن کنیم. /

6 مارس 2012

ادامه ی صفحه 2

مصاحبه با

فرخنده آشنا

" نقش زنان در جنبش کارگری ایران "

من امیدوارم که کارگران بتوانند متحد، مستقل و با طرح مطالبات پایه ای جامعه به میدان بیایند. همه ی ما آگاه هستیم که رهایی طبقه ی کارگر، رهایی جامعه را بدنال می آورد و ما می دانیم که اگر احتیاج به دموکراسی هست تا طبقه ی کارگر به میدان بیاید، بیشتر از این دموکراسی احتیاج دارد که طبقه ی کارگر با تشکل های خودش به میدان بیاید و بتواند آن دموکراسی را در جامعه ایجاد کند و نگه دارد، ما نمی توانیم سیاهی لشکر بدون برنامه و بدون پلتفرم سرمایه داری باشیم و فریبی که امروزه طبقه کارگر را دارند می دهند همه ی ما می دانیم که هرچایی که طبقه ی کارگر به میدان آمده و اعتراض کرده، آنجا توانسته تغییراتی بوجود بیاورد و هیچکس از این نیروی عظیم و طبقه ی کارگر غافل نیست و طبقه ی کارگر خودش هم نباید از این نیروی عظیم خودش غافل باشد از این نیروی عظیمی که متعلق به خودش است و برای پیشبرد منافع طبقه ی خودش باید بکار گیرد.

مینو همتی: فرخنده آشنا، با سیاس فراوان از اینکه وقتتون را در اختیار بینندگان ما قرار دادید. فرخنده آشنا: من هم از شما ممنون و سپاسگزارم. /

## گزارشی از اکسیون اعتراضی بمناسبت هفته حمایت از کارگران زندانی و به بهانه ۱ مه ( ۱۱ اردیبهشت ) روز جهانی کارگر

### گوتنبرگ سوئد - شیرین شکرزاده

انسان های آزاده، فعالین مدافع حقوق کارگران، احزاب ، سازمان های انقلابی و مدافعین حق پناهندگی

درپاسخ به فراخوان هیئت هماهنگی شورای نمایندگان احزاب ، سازمان ها و نهادها و در پیوند با تحرکات هفته دفاع از کارگران زندانی (روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل) برای آزادی فعالین کارگری و در دفاع از مطالبات برحق کارگران ایران،

در آکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد) ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فعالان و متحدان شرکت کردند. رژیم سرمایه داری اسلامی ایران هر روز بساط تازه ای درمی افکند. دکتر فریبرز رئیس دانا را پس از سپری شدن دوره محکومیت اش آزاد می سازد. همزمان رضا شهابی، عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که جهت معالجه در مرخصی بوده است باردیگر به زندان می کشاند. در همین حال محمد جراحی که تحت معالجه شیمی درمانی قرار دارد، همچنان در زندان مرکزی تبریز زندانی است. همچنین با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نکرده است و او باید خود را به زندان



معرفی نماید . این درحالی است که فرزند بیمارارش نیما در بیمارستان محک هم چنان تحت شیمی درمانی است و به همراهی پدرش سخت نیازمند است. شاهرخ زمانی از کمیته پیگیری، پدram نصرالهی از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و تنی چند از دستگیر شدگان هشت مارس امسال حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی برای آخرین دفاعیات در شعبه ۵ بازرسی بیدادگاه سنندج حاضر شدند و چند تنی از دستگیر شدگان هشت مارس تا حالا با قرار وثیقه های چند ده میلیون تومانی آزاد گشتند.

به این ترتیب در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها در ایران، تعرض همه جانبه جدیدی را بر علیه کارگران سازمان داده اند.

برای آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی همه شما آزادیخواهان را فرا میخوانیم و کارگران در بند و کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!  
زنده باد آزادی

\*\*\*

### شیرین شکرزاده:

هدف ما از شرکت در این آکسیون اعتراضی این است که از 15 تا 22 آوریل هفته حمایت از کارگران زندانی سیاسی ست که ما از طرف سازمان رهایی زن شرکت کردیم.

ما می خواهیم صدای خودمان که همان صدای کارگران زندانی و خانواده هایشان و صدای همه ی فعالین حقوق زنان و آزادیخواهانی که توسط حکومت مستبد و ناقض حقوق بشر یعنی جمهوری اسلامی ایران به بدترین و شدیدترین شیوه سرکوب، زندانی و در مورد بسیار کشته میشوند را به گوش جهانیان برسانیم.

همچنین ما خواهان این هستیم که مردم در داخل ایران از خانواده های زندانی حمایت کنند بخاطر ظلم و جنایتی که رژیم جمهوری اسلامی به کارگران و فعالین حقوق زنان اعمال میکند.

ما اینجا تجمع میکنیم و آزادانه فریاد در گلو خفته شده زندانیان سیاسی و فعالین کارگری و زنان در ایران را به گوش مردم و حکومت ها و ... میرسانیم.

زنانی که عضو سازمان رهایی زن هستند و در ایران فعالیت میکنند؛ ما از آنها حمایت میکنیم و به امید پیروزی و تغییر حکومت دیکتاتور ایران مبارزه میکنیم./

**برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان مبارزه کنیم!**

## کنفرانس رهایی زن در استکهلم ضمن تایید پیام کنفرانس آزادی و رهایی جامعه، جای حق زن به فعالین حقوق زنان

( در گوتنبرگ سوئد. متن این پیام در نشریه شماره  
5 رهایی زن قابل دسترس میباشد ) ، بند زیر را بدان  
میافزاید:

از آنجاکه زن بودن در جوامعی چون ایران قانونا، جرم است، رفتار آزاد، حق مادری، حق انتخاب همسرو حقوق خانواده تماما علیه زن است، و یک آپارتاید جنسی علیه زن حاکم است. زنان گریخته از این سیستم، فقط بدلیل زن بودن بدون اثبات هیچ فعالیت سیاسی، باید بعنوان پناهنده سیاسی شناخته شوند.

ما خواهان پناهندگی سیاسی برای همه زنان گریخته از جوامعی چون ایران هستیم.



بود که بگویند حق زن حق زنان اروپایی هست اما زنان خارجی که در اروپا زندگی میکنند این حق را ندارند. این چه فرق میکرد اگر ما در ایران زندگی میکردیم و میبایست تحت قوانین اسلامی زندگی بکنیم و یا اینجا دچار همین مشکلات و بی حقوقی باشیم. در نتیجه یکی از کمپینهای اعتراضی ما در بریتانیا این بود که این موضوع را به شدت بگویم و اجازه ندهیم که این اتفاقات؛ این مسائل و این توجیحات باعث بشه که زنان در بی حقوقی زندگی کنند. جالب این بود که توجیه میکردند که اگر ما از حقوق

زنان خارجی یا حقوق برابر زن دفاع کنیم در نتیجه به ما میگویند راسیست. و مسئله ما دقیقا این بود که اگر این زنان شامل حقوق برابر در این کشورها نشوند خود این راسیست است. طبق قوانینی که شما دارید این قوانین شما راسیستی است. این باعث شد که بسیاری از مشکلات زنان خارجی که با آنها روبرو بودند مورد بحث قرار بگیرد. یکی از اینها این بود که زنی که از کشورهای خارجی می آید و اینجا تقاضای پناهندگی میکند و مخصوصا اگر با ویزای ازدواج آمده باشد؛ این خانمها مشمول هیچ حقوقی نمشدند اگر رابطه زناشویشان شکست میخورد و خیلی از آنها رو دیپورت میکردند. کمپینی که ما در انگلستان راه انداختیم این بود که این خانمها اولاً باید



سخنرانی دیانا نامی  
در کنفرانس رهایی زن، استکهلم

که ممکن است از فقر و جنگ گرفته تا مسائل اقتصادی و مسائل سیاسی و نژادی و خیلی از موارد غیره دیگر؛ که تقاضای پناهندگی میکنند و به کشورهای اروپایی می آیند ولی در کشورهای اروپایی متاسفانه شامل حقوق برابر نشدند. و اتفاقاتی را که در خود جامعه ما می افتد را جزء مشخصات جامعه خارجی میدانستند و دولت‌های غربی متاسفانه زنهایی را که کمکهای فوری نیاز داشتند به آنها کمک نمیکردند به این دلیل که آنها خارجی هستند و ما باید به فرهنگ خارجی‌ها احترام بگذاریم. همین مسئله و نسبیّت فرهنگی ویا فرهنگ خودی آنها و این موضوع باعث تفاوت و یا تبعیض شدیدی بین زنان اروپایی میشد با زن های خارجی و مثل این

عزیزان خسته نباشید من از سازمان رهایی زن شاخه استکهلم در واقع تشکر میکنم که من این افتخار رو پیدا کنم در خدمت شما باشم و روز جهانی زن رو با هم جشن بگیریم. این روز رو به همه شما تبریک میگویم. دوستان مینو همتی و رعنا و ثریا شهابی راجع به جنبش رهایی زن سازمان رهایی زن گفتند. رهایی زن به نظر منم یک سازمان نیست بلکه یک جنبش است و فعالیتهای ما در گوشه و کنار دنیا مربوط به این جنبش و جزء

همین جنبش رهایی زن است و من همیشه بر این عقیده بودم که ما در هرکجای دنیا که هستیم میتونیم تغییر به وجود بیاوریم و وضعیت زنان را تغییر بدهیم. چه در کشورهای اروپایی و چه در سایر کشورهای دنیا. به عنوان یک خارجی که این شانس رو آوردم که در کشور انگلستان با فعالیتهای گذشته ام و تجربه سیاسی که داشتم و مسئله زنان برایم همیشه مسئله بود. توانستیم سازمان حقوق زنان ایرانی و کرد را در سال 2002 بنیاد بگذاریم که امسال دهمین سال تاسیس آن است. این سازمان در واقع فعالیتهایش برای زنان پناهنده بود. برای کسانی که از کشورهای دیگر به دلایل مختلف تقاضای پناهندگی میکنند؛ دلایلی

اقامت دائم بهشون بدهند اگر خودشون بخواهند و مشمول تمام حقوق و مزایا بشوند. این مسئله طول کشید و امری آسان نبود ولی به خاطر این موضوع واقعا خیلی از زنها که خشونت خانوادگی مشکل بزرگشان بود و به این خاطر جدا میشدند. مجبور بودند پیش شوهری که هر شب کتکشون میزد؛ بهشون تجاوز میکرد بوموند چون هیچ امکان دیگری براشون نبود. ما شاهد بودیم کسانی که شرم داشتند شرح زندگی خودشون روباز گو کنند و در مواردی به تن فروشی رو می آوردند چون حتی قدرت خرید یک بطر آب خوردن را نداشتند. این زنهایی بودند که اینجا زندگی میکردند؛ نه تنها زنان ایرانی بلکه سایر زنانی که در ازدواجشان شکست خورده بودند. این مسئله اساسا حقوق انسانی یک زن به عنوان یک انسان؛ حتی نه به عنوان یک زن که حقوق بیشتری باید داشته باشه و شامل مزایای برابر زن بشود بلکه زن به عنوان یک انسان نادیده گرفته میشد. کمپینهای ما موفق بود تا این حد که حالا دیگه دولت بریتانیا قبول کرده است در ظرف سه ماه اقامت دائم آنها را بررسی بکند و در عرض این سه ماه تمام حقوق و مزایایی را که یک زن بریتانیایی شاملش میشه شامل این افراد بشود. شامل حق مسکن؛ حقوق پزشکی اشان و هر مسئله دیگری. در ظرف این سه ماه تجربه ما این بوده که اغلب قریب به اتفاق خانمهای جوان قبولی گرفتند و در انگلیس بمانند البته براساس حقوق خودشان نه بر اساس کیس قبولی شوهراشون قبولی گرفته باشند و توانستند. این یکی از دستاوردهایی بوده که دوست داشتم در روز 8 مارس که تنها راجع به بدبختی‌ها صحبت کنیم بلکه دست آوردهایی را که داشتیم را جشن بگیریم. مسئله دیگه مسئله قوانین ضد زن؛ قتل‌های ناموسی؛ مثله کردن و ختنه زنان؛ ختنه کردن زنان و ازدواج اجباری؛ خشونت‌های خانوادگی و زنهای خارجی زنهایی بودند که باید با این همه بدبختی‌ها بسازند چون فرهنگ آنها بود باید این مشکلات دست نخورده باقی بماند. کسانی که قاتلین قتل‌های ناموسی بودند تا 5 سال قبل در اروپا محکومیتشان بسیار کم بود مثل زندانهای کوتاه مدت چرا که این فرهنگ آنها بود که باید دست نخورده باقی بماند. مگر میشود کسی را که قاتل باشد بهش احترام گذاشت. این چه فرهنگی

است که فرهنگ دیگه ای رو تحمل بکنه که قتل جزئی از آن باشد. یکی از کمپینهای ما این بود که تمام دولتهای اروپایی باید برای زنهای خارجی حقوقی را قائل باشند که یک زن اروپایی شاملش میشود و هیچ چیز نباید توجیه این را بکنند که شوهر؛ پدر؛ برادر؛ خواهر؛ مادر و یا هر کس دیگر اجازه داشته باشد توجیه کند قتل‌های آنها را. یادم هست دختر 16 ساله به نام هشی یونس در سال 2002 به دست پدرش با 17 ضربه چاقو و جدا شدن سر از بدنش به جرم داشتن دوست پسریه قتل رسید. معلم او همسایه‌ها و هم کلاسیه‌هاش میدانستند که دختر در خطر است؛ مادرش میدانست و همه خانواده باهم قرار گذاشتند و برنامه ریزی کردند و دختر را تنها گذاشتند تا بماند در خانه و تا پدرش بکشتنش. ما اولین کمپینی که زدیم؛ کمپین شخصی برای انسانهایی که میخواستیم مشخصا برای آنها کاری بکنیم؛ کمپین ... بود یعنی ... فراموش نکنیم و یکی از اهداف این کمپین این بود که نه تنها فقط آن کسی که در کشتنش نقش مستقیم داشته بلکه تمام کسانی که اطراف او بودند و به نوعی مسئول بودند باید محاکمه بشوند. اینکه فرهنگ خودی مهاجران در نظر گرفته نشه و مسئله نباشد تا بر مبنی آن این فجایع اتفاق بیافتد. متأسفانه یادم میاد هر شب قتل ناموسی اولین بار در سال 2003 اولین بار یک جرم و جنایت شناخته شد و یادم می آید قاضی در دادگاه گفت هنگامی که پدرش در دادگاه اعتراف کرد و میدانیم که در بریتانیا کسی قتل عمد میگیرد به حبس ابد محکوم میشود قاضی گفت ما فرهنگ ایشان را در نظر میگیریم که چقدر حکم به او بدهند و آخرش 14 سال به او حکم دادند. این طولانی ترین حکمی بود که به قاتلین ناموسی اینچنین داده شد. با این حال هنوز قاضی و هیئت قضایی بریتانیا هنوز مسئله فرهنگ خودی را توجیهی میکرد تا این افراد را تبرئه کند. که این غیر قابل تحمل بود و به همین خاطر کمپینی که ما انجام دادیم در دادگاه و جاهای دیگه با تظاهرات و اعتراض و نامه نگاری‌های زیاد و در کیسهای بعدی مثل کیس بنام محمود در دادگاه قاضی این بار اعلام کرد که ما باید این فرهنگ رو عوض کنیم نه اینکه زنها به خاطر این فرهنگ کشته بشوند. و این یکی دیگه از موفقیت‌هایی بود که ما میخواستیم. و موفق شدیم در این رابطه که قانون رو تغییر بدیم. قانونی دیگه ای که

تغییر دادیم قانون ازدواج اجباری بود در این کیس دختران خارجی که در انگلیس هم کم نیستند سالانه ده‌ها هزار دختر و پسر قربانی ازدواج‌های اجباری میشدند. یکی دیگر از قوانینی که ما موجب تغییر آن شدیم و از اول امسال به اجرا درخواهد آمد در اول اپریل این است که هر کسی که دخترش رو و یا پسرش رو به زور وادار به ازدواج کند 12 سال محکومیت خواهد داشت و مورد پیگرد قانونی قرار میگیرد و این را جزء جرمهای سنگین قرار دادند که یکی دیگر از دستاوردهای ما ست که بغایت برایمان مهم بود. و در مورد مسئله ازدواج دختران؛ متأسفانه جریان‌های اسلامی در تمام اروپا و از جمله در انگلستان به شدت فعال بودند و به شدت خواستند که قوانین اسلامی را اجرا کنند. در کشور انگلیس بیشتر از 120 دادگاه شرعی و اسلامی دارد کار میکند و این دولت در واقع چشمش را به این دادگاه‌ها بسته. در داخل این دادگاه‌ها زنان به شدت مورد تبعیض هستند که اینجا احتیاجی نیست وارد آن بشوم چرا که خودتون میدانید قوانین اسلامی چقدر تبعیض آمیز است و حتی زن در آن جزئی از انسان به شمار نمی آید. یکی از کمپینهای ما که شروع کردیم در رابطه با آن گزارشی تهیه و به دولت ارائه کردیم و از دولت خواستیم در این دادگاه‌ها را ببندد که در این رابطه چندین مذاکره و بحث داشتیم با خود هیئت‌های مهم دولت که این قضیه را پیگیری کنند چون عملا ما از آنها شکایت کردیم یکی از این موارد مقابله با ازدواج دختران زیر سن است هزاران دختر بچه؛ دیروز در روزنامه نوشته بودند که دختر بچه 9 ساله قربانی یک ازدواج اجباری.. باور نکردنی است. دختر بچه‌های 5 ساله 9 ساله اتفاقاتی که در قلب اروپا و در انگلیس و مطمئنا در کشور سوئد هم اتفاق می افتد. و این باید برای همه تکان دهنده باشد. چرا باید دختر بچه ای را طبق قوانین اروپا که باید تحت بیشترین حمایت و اطمینان از بهبودی و سلامت جسمی آنها دارند در این سن پایین مجبور به ازدواج اجباری بشوند.؟ این هم همانطور که گفتم موضوع کمپین ما است که خود پارلمان انگلیس مجبور شد هیئتی رو برای تحقیق بگذارد. این مسائل رو ما مجبورشان کردیم که نه تنها فقط در انگلیس بلکه پارلمان اروپا بر این پایه قرار بگیرد و سایر قوانینشان را هم مطابقت بدهند.

ادامه در صفحه 12

## ابراز نظر میهمانان کنفرانس رهایی زن در استکهلم:

فاطمه فیلی

در تاریخ قبل از اسلام زنان پا به پای مردان فعالیت میکردند از جمله آنها می‌توان به دریاسالار آرتمیسی اشاره کرد که فرماندهی کل ناوگان هخامنشیان را به عهده داشت، اما به مرور زمان و با ورود اسلام نگرش مردم به زنان در ایران تغییر کرد.

در زمان محمد در عربستان اعراب دختران خود را زنده به گور میکردند اما در ایران همیشه با زنان به احترام رفتار میشد، با ورود اسلام به ایران که البته با جنگ و خونریزی بسیار همراه بود، فرهنگی توسط اعراب آن در وارد کشور ما شد که تا کنون باعث نوع بردگی جنسی برای زنان شده است.

شاید بهتر باشد اینطور بگوییم که زنان امروز با تغییر دیدگاه مردان به اصول اولیه انسانی و همچنین تمایل آنها به مذهب تغییر کرده و مردان سعی بر این دارند که روز به روز این فرهنگ غلط را بیشتر از قبل در جامعه گسترش دهند، اما زنان مبارز و آزاده همواره سعی در آزادی و رهایی از این یوغ بردگی و پرستش جنسی نموده اند و با تشکیل گروه‌های مختلف و نشان دادن توانایی های خود سعی در تغییر وضع موجود دارند.

اگر چه شاید ما زنان از نظر جسمی ضعیفتر از مردان باشیم، اما از نظر فکری همواره از مردان و از نظر عاطفی و احساسی گاهان برتر از ایشان گاهی دیده میشود که باری مردان با تکیه بر قوای جسمی و جو حکم بر جامعه سعی در افسر زدن به زن داشته و فکر می‌کنند زن موجودی است



برای فرمانروایی، بردهگی بر وی.

غافل از اینکه غریبه اکثریت هم می‌دانند که اگر بر قلب زنی حکم شوند آن زن جان خود را برایش فدا خواهد کرد.

اما فرهنگ ضعیف در مجامع و به خصوص مجامع مرتجع اسلامی و غرور و خودبینی مانع از تغییر رفتار مردان میشود و روز به روز به آزار بیشتر روحی و جسمی زن می‌پردازند.

اما ما امروز می‌خواهیم با تغییر نگرش مردانی که سعی دارند به زن به عنوان یک برده نگاه کنند بگوییم که ما در و خواهران شما و همسران وسیله تعریح نیستند و زن انسانی است سرشار از روح و احساس انسانی و برابر با مردان .

من همان زنی هستم که روز ۸ مارس در فراخوانی که توسط سازمان رهایی زن داده شده بود در میدان مدبرگر پلتنسن، حجاب، مظهر تبعیض و تحقیر و تخریب را به آتش کشیدم . /

زنده باد آزادی، زنده باد ۸ مارس زنده باد رهایی

خیلی ممنون که این امکان رو فراهم کردید که من در کنار شما باشم . همچنین در کنار رفقای بزرگی مثل مینوهمتی که نهاد رهایی زن و تلویزیون رهایی زن را، به یک نهاد اجتماعی و دخیل در زندگی آدمها تبدیل کرده و همینطور دیانا نامی ؛ که در فعالیتهايش در انگلستان به طور واقعی روی زمین باعث بهبود زندگی مردم شده است، ضمناً سازمان زنانی را پایه گذاری کرده که از اقصا نقاط اروپا به آنجا مراجعه میکنند. از هر جا از ایران، افغانستان و کوردستان اگر بخواهند کسانی رو به کمک بطلبند، به سازمان دیانا نامی مراجعه میکنند و این باعث افتخار است که در کنار این دوستان باشم و همینطور رعنا عزیز و همگی شما.

اجازه بدهید از اسم کنفرانس شروع کنم . اسم این کنفرانس هست "بهار آزادی و جای حق زن"، این شعار ما را میبرد به انقلاب سال 57 ایران وقتی که اولین تحركات ارتجاع اسلامی شروع شد و این شعار که "در بهار آزادی جای حق زن خالی" که در واقع برخورد با وجدان جامعه و مسئله زن رو به عنوان یکی از عرصه های که مستقیماً توسط ارتجاع حاکم به آن تعرض شد، در دستور جامعه قرار داد. من هم یکی از همان دختران جوانی بودم که در یکی از ان تظاهرات ده ها هزار نفری رفتیم و فریاد زدیم و گفتیم این ارتجاع رو نمی‌خواهیم. همان کاری که امروز زنان در کشور تونس یا مصر میکنند .

اتفاقی که در ایران افتاد انقلاب عظیمی که به راه افتاده بود امروز نتایج اش رو میگذارند جلوی چشممان و میگویند نگاه کنید چی شد؟ به سر مسئله

زن چه آمد؛ به سر انسان در جامعه ایران چه آمد و اون رو می‌اندازند گردن انقلاب. تونس و مصر را نشانمان میدهند ؛ میگویند بیائید ببینید چطور ارتجاع اسلامی تعرض میکند و چرا باید انقلاب کرد؟ و چرا باید از انقلاب 57 نیاموخت و دست از انقلاب شست؟.



سخنرانی ثریا شهایی  
در کنفرانس رهایی زن، استکهلم



چرا باید از انقلاب مصر و تونس ناموخت و باید دست از انقلاب شست. بخصوص این تعرضات وقتی شروع میشود که جریاناتی که بر بطن یاس و استیصال و حاکمین ارتجاع ارتزاق میکنند و شروع میکنند علیه انقلاب تعرض کردن که انقلاب خشونت به همراه دارد. دولتها هیئت حاکمه و ضد انقلابی وقتی به قدرت میرسند، آدمها رو دستگیر میکنند؛ شما رو میزنند؛ اونوقت به شما میگویند خشونت نکن. خشونت گریزی رو به مردمی توصیه میکنند که انقلاب عظیم مسالمت جویانشان در میدان تحریر قاهره به انجا میرسد که امروز شما به عنوان یک فعال حقوق زنان وقتی میروید داخل شهر قاهره؛ جرات نمیکند از خیابان رد شوید، حتی هنوز که قانون تصویب نشده؛ جریانات اسلامی انقدر شما را اذیت میکنند که مجبورشان کند تا روسری سرتان کنید. یک نتیجه ای که میتوان از این انقلاب 57 گرفت این است که ان اتفاقی که بعدش افتاد ربطی به انقلاب سال 57 نداشت؛ انقلاب شکست خورد و بالاخره وقتی چند تا انقلاب شکست میخورد، به ما میگویند که یاد بگیرید انقلاب نکنید. انقلاب خشونت میاورد، بروید از طریق مراجع قانونی 10 سال طومار بنویسید و شکایت کنید و و تحصن کنید شاید این قانون و ان قانون عوض بشود. واقعیت این است که انقلاب صورت می گیرد، نه قیام اسپارتاکوس و نه انقلاب فرانسه و نه انقلاب المان و نه کمون پاریس و نه انقلاب اکتبر روسیه و نه انقلاب ایران و نیکاراگوئه هیچکدامشان در اراده ی هیچ کس و هیچ حزب سیاسی نبود. انقلاب صورت میگیرد علیرغم اینکه بارها و بارها شکست بخورد و بعدش انقلابیونش را اعدام میکنند باز نسل بعدی تسلیم نخواهد شد و سهم خودش را از زندگی، یک بردگی مزدی نمیداند؛ سهم خودش رو به شهروند درجه دو نمیداند؛ سهم خودش را فقر و محرومیت نمیداند و باز به میدان میاید، باز میاید و اعمال اراده اش رو اعلام میکند. با وجودی که دو نسل هم قربانی انقلاب 57 شده اند شما باز می توانید شاهد تکرار انقلابی شبیه به انقلاب مصر و تونس بشوید و این توصیه های انقلاب نکنید و خشونت نکنید فقط مال کسانی است که روی یاس و استیصال و تسلیم و آن نسلی که خودش را شکست خورده میداند، نسل انقلابیون شکست خورده روی آن دارد سرمایه گذاری میکند.

انقلاب مستقل از تصمیم هر کسی صورت میگیرد و نسل جوانی که اتفاقا نسل جدیدی که میاید، تسلیم نشده و توصیه های نسل

قبل را هم گوش نمیدهد و میرو عین همان اشتباهات را تکرار میکند.

انقلاب نکنید نمیتواند نتیجه شکست انقلاب سال 57 و انقلاب مصر و تونس و غیره باشد پس چه باید کرد چرا اینطور میشود؟ چرا علیرغم اینکه مردمی که انقلاب 57 رو کردند آزادی و برابری میخواستند؛ ساوک نمی خواستند و حق هم داشتند و کسی هم آرزو نمیکرد که خمینی بیاید و ولایت فقیه را پیاده بکند. یا در یک دوره ای کارگرانی که حق اعتصاب را به زور گرفته بودند... متشکل شده بودند و حق اعتصاب و تشکلیش را با یک قتل عام خونین ازش گرفتند. کسی برای همچنین چیزی انقلاب نکرد انقلابیونی که در مصر هم انقلاب کردند برای چنین چیزی انقلاب نکردند. برای آزادی انقلاب کردند مردم برای آزادی انقلاب کردند، مردم برای بهبود انقلاب میکنند؛ برای خلاصی از فشارهای فرهنگی و فشارهای سیاسی و اقتصادی انقلاب میکنند. منتهی چرا در این انقلابات بخصوص انقلاباتی که از بعد از انقلاب 57 ما شاهدش هستیم اینطور جریانات ارتجاعی شانس دارند، ان را دیگر روزهای انقلاب نمیتواند تعیین بکند این را اتفاقات خیلی خیلی قلیترش میتواند پاسخ بدهد؛ میتواند تصویری رو که آینده در زیر سؤال رفتن قدرت سیاسی در دستور جامعه می گذارد را به شما بگوید.

در جریان انقلاب 57 قبل از اینکه جریان ارتجاع اسلامی به عنوان یک الترناتیو به میدان بیاید؛ در فضای اپوزسیون ایران؛ ارتجاع اسلامی بستر رسمی بود. خمینی نه به خاطر مذهبی بودن ملت ایران؛ نه به خاطر زیاده روی شاه در به اصطلاح مدرنیزه کردن مردم ایران؛ که چنین چیزی هم نبود نه به خاطر به قول آقای گنجی؛ خیلی کاریزما بودن این دایناسور قرون وسطایی؛ که به خاطر این به قدرت رسید که تنها بستر اصلی و رسمی که در جامعه به عنوان اپوزسیون وجود داشت به اندازه خمینی مرتجع بود. اسلامی نبود ولی مرتجع بود. شما بروید مصاحبه رادیو دوپچه وله با خانم های روشنفکر ان موقع و جریانات اپوزسیون ان موقع که سر حق رأی زنان داشتند رو بشنوید و ببینید؛ خانم شهلا لاهیجی میگوید "من مخالف حق رای زنان بودم و هنوز هم به نظرم حق رای زن غلط بود"، حزب توده؛ جبهه ملی؛ حزب توده که قبل از انقلاب سفید شاه تنها جریانانی بود که حق رأی زنان را بردند به مجلس و هیچ کس ازش حمایت نکرد. یک جریان چپ و کمونیستی متأثر از انقلاب شوروی این حق را میبرد و با انقلاب 57 وقتی شاه حق رأی زنان را میاورد؛ مخالف حق رأی زنان از آب در میاد.

شما هیچ جریان اصلی رو پیدا نمی کنید که بگوید معلومه خب این تازه عقب هم هست. شاهنشاه آریامهرو پدر ایشان؛ جنبش دهقانی را سرکوب کرد؛ اولین حزب کمونیست ایران که حق رأی زنان در دستور کارش بود را ممنوع کردند؛ کمونیستها را کشتند و جنبش آزادی زن را خفه کردند و همچنین جنبش دهقانان را خفه کردند و بعد آمدند و اصلاحات ارزی کردند؛ این داده ی من است و من باید ازش استفاده بکنم. همشون مخالف حق رأی زنان شدند. امروز شهلا لاهیجی وقیحانه مینویسد که معلوم است ما مخالف بودیم برای اینکه مولوکانه بود!

اپوزسیون در ایران، مرد سالار؛ مذهبی؛ ضد تمدن؛ ضد غرب و ضد حق زن بود. قبل از اینکه جریان ارتجاع اسلامی خمینی؛ خمینی کسی نبود تا به قدرت برسد، سال 52 در دانشگاه های ایران انجمن اسلامی ها راه انداختند و دانشگاه را تسخیر کردند. فضای چپ روشنفکری که از کتاب های انقلاب فرانسه دوره روشنگری و از انترناسیونال تاثیر میگرفت واز لنین و مارکس تاثیر میگرفت؛ کشاندنش پای حسینه ارشاد و خانم کاتوزیان و آقای شریعتی و چپشان همین بود و راستش هم همین بود راستش جبهه ی ملی بود؛ حزب توده بود به اسم چپ؛ چپ هم همه اش اسلامی نبود و همین شعارهای گنده گنده سوسیالیستی میدادند. ایران اپوزسیون رسمی اش جنبش ضد شاه اش توسط ارتجاع ی جریان ارتجاعی که دعوايش با شاه که جزئی از همون بخش طبقه حاکم بود؛ این بود که "شما به اندازه کافی در بازار ایران به من سهم نمیدهید تا بازار را رونق بدهم و سرمایه ملی را رشد بدهم" و دعوايش سر همین بود و در روبنا جلوه های ان حاکمیت سرمایه را که نمی خواست در غربی بودنش بدهد در روبنا ضد غرب بود؛ ضد زن بود؛ مذهبی بود؛ شرق زده بود. از آل احمد بگیر تا انواع و اقسام فیلم هایی که در ایران ساخته میشد همه اش گذشته پرستی و عقب مانده بود.

این اتفاق در کشور مصر هم همینطور شد. اخوان المسلمین خیلی قبل از اینکه به قدرت برسد تنها جریان رسمی بود که به عنوان اپوزسیون رسمی خودش را تثبیت کرده بود و کسی باهاش کاری نداشت هیچ جریان کمونیستی؛ هیچ جریان کارگری و هیچ جریان سوسیالیستی با اخوان المسلمین که پایش به قدرت سیاسی باز شده بود دعوا و مخالفتی نداشت.

امپریالیستی بود که سرتاسر غرب از امریکا تا قلب کشورهای اروپایی رو به زیر کشید تا جایی که گفتند امریکا رو فقط ویتکنگها شکست ندادند.

در قلب امریکا جنبش سوسیالیستی و متریقی به شکستش کشانید. الان شما نمیتوانید یک جنبش زنانی داشته باشید وقتی که سبز دور برداشته و می خواهد قدرت را بگیرد و به شما میگوید بیا بید بروید توی این جنبش سبز، عیب ندارد بعداً که اینها تسویه حساب کردند ما هم میرویم سهممان را میگیریم.

ولی اگر جنبش سبز پیروز میشدو دم ولی فقیه هم کمی چیده میشد و بازار برای ورود سرمایه کمی باز میشد؛ آنوقت شما باید می رفتید 15 سال با خانم زهرا رهنورد سر اینکه گل و بته قرمز هم اضافه کنند به سبزشان بجنگید. حتما اسم این را هم میگذاشتند خشونت گریزی برای رسیدن به اصلاحات. و آنهایی که بر علیشان بودند را میگفتند شما ضد انقلابی اید. شما ضد جنبش توده هایید. همان چیزی که انموقع ما می گفتیم شما علیه شاه میروید پشت اسلامیه و علیه حق رای زنان هستید و علیه کنده شدن دهقان از زمین هایش هستید...همانها را امروز به شما تحویل میدهند. هیچ چیزی بیشتر از امروز نشان نمیدهد که شانس بیشتر زنان فقط و فقط تو در این است که جریانی که میتواند قدرت سیاسی بگیرد؛ جریانی سوسیالیستی و کارگری باشد که هیچ منفعتی در بی حقوقی زن ندارد. اگر که بخواهیم این فاز را پشت سر بگذاریم از یک جریان معترض و مطالبه جو به یک جنبش که بتواند قدرت سیاسی را بگیرد. برنامه و شعار آزادی و رهایی زن شعار نیست که بعداً دنبال نخود سیاه فرستاده شود. این جنبش باید به آن جنبش عظیم اجتماعی و برای قدرت سیاسی وصل شود تا رهایی زن متحقق شود. /

چشمانمان بمباران میکنند؛ کمونیستها و سوسیالیستها به عنوان اصلی ترین جریان مخالف ان (به استثنای ما که نسبت به آنها جریانات کوچکتری هستیم) و ارتجاع اسلامی که در مقابل غرب ایستاده و کسی مثل آقای چاوز که آن هم از جانب اپوزسیون ایران نقش کنترل رو پیدا کرده؛ که به خاطر اینکه با رژیم ایران مناسبات دارد؛ مورد اعتراض جدی قرار نمی گیرد. من می خواهم بگویم که جنبش زنان؛ همانطور که مینوهمتی اشاره کرد که در تونس و مصر چه اتفاقاتی دارد می افتد؛ از جامعه جدا نیست. جنبشی نیست برای خودش و برای خودش یک سازی بزند. گویا طبقات اجتماعی هر کدام جایی بروند؛ جنبش های اجتماعی جایی می روند و یک جنبش هم داریم به اسم جنبش زنان که انهم میروند حقیقت رو میگیرند!! اینطور نیست. هیچ وقت اینطور نبوده؛ تاریخ اینجوری نبوده. جنبش زنان در بدو تولدش با جنبش کارگری؛ با جنبش ضد سرمایه داری متولد شده است. در مبارزه اش علیه تبعیض با جنبش سیاهان بود. اولین مقالاتی که در امریکا و در دفاع از حق رای زن نوشته شده؛ در نشریاتی که ضد بردگی سیاهان نوشته میشد، درج می گردید. طبقه کارگر تبعیض نمی خواهد و به نفعش نیست، از بی حقوقی سیاهان ضرر میکند. صف متحدش میشکند؛ از بی حقوقی زنان هم ضرر میکند. این یک شعار یا تحلیل نیست. شما تاریخ جنبش زنان را مشاهده کنید؛ این را خواهید دید. علیه کار کودکان؛ در مبارزه علیه و برای صلح در دهه شصت وقتی انقلاب جنسی میشود اینطوری نیست که جنبش زنان فقط به خاطر قرص ضد حاملگی جلو آمد و کشف شد و حقیقت رو در مساله رابطه جنسی گرفت. یک جنبش عظیم سوسیالیستی علیه جنگ ویتنام وجود داشت و جنبش زنان و جنبش آزادی جنسی بخشی از جنبش ضد میلیتاریستی و ضد

همین اتفاق هم در ایران دارد میافتد، جنبش سبز؛ خانم رهنورد را دارند به شما به عنوان رهبر جنبش زنان حقه میزنند و وقتی شما چیزی میگویند و حرفی میزنید؛ بهتان میگویند شما زیاده روی نکنید. شما ایده ایست هستید و فلان و بالاخره این یک فرصتی هست بگذارید.....دعوی یک ارتجاع اسلامی برای اینکه چرا سهم قدرت و ثروت بیشتر را به من نمیدید. چرا یک خورده بیشتر درهای سرمایه گذاری در بازار رو باز نمی کنید که یک مقدار بیشتری سرمایه وارد کشور بشود. چرا مخالف این سیاست اقتصادی شما هستیم که راه این سرمایه را مینند و راه اون رو باز میکند. و به خورده به ما سهم بیشتری بدهید. این افراد را به عنوان رهبر شما میاورند و به شما نشان میدند و میگویند بیا بید و به جنبش سبز بپیوندید و اونایی رو که نمیرند بهشان میگویند شما احدی نژادی هستید!.

انقلاب خواهد شد منتهی مردمی که انقلاب کردند دنبال ان جریانی میروند که قبلیش خودش را به جامعه به عنوان یک جریان و اپوزسیون رسمی تحمیل کرد. اگه سوسیالیستها و کمونیستها نباشند؛ بخصوص در خاورمیانه؛ اون جریان ضد امپریالیستی خودش رو تثبیت میکند که مردم به چشم می بینندش و مناسفانه امروز آن ارتجاع اسلامی است. برای اینکه جریانات پیشرو؛ جریانات متریقی؛ جنبش سوسیالیستی؛ جنبش کمونیستی که تاریخاً ضد امپریالیست بوده و همیشه در صف مقدم ضد امپریالیسم نه از زاویه اینکه شما غربی ها رو بیرون کنید و بازار کسب و کار را رونق بدهید؛ بلکه به این معنی که من ضد میلیتاریسم هستم. شما حق ندارید مردم عراق را به بهانه تصفیه حسابهای اسلام سیاسی بمب باران کنید. میلیتاریسم غرب در تاریخ سرمایه داری هیچ وقت به این شدت و عنان گسیخته و بطور یک قطبی؛ حمله نکرده است. عراق را جلوی

### ابراز نظر میهمانان کنفرانس رهایی زن در استکهلم



**باران مصلح:** با سلام به حصار و همچنین خسته نباشید خدمت خانمها و آقایونی که در این مراسم شرکت کردند واز حضور خود در میانشان بسیار خوشحال هستم در این جمع، من به عنوان یک دختر کرد دختری که در یکی از مناطق ایران زندگی میکرد و دچار مشکلات زیادی بود از نظر احساسی و عاطفی و اجتماعی و فشارهای روانی که بر آنها واقع میشود نتوانستم در آنجا به ادامه زندگیم بپردازم و مجبور شدم به خاطر عقاید شخصی و خانواده ام تحقیرها و خشونتهایی را تحمل کنم و بر خلاف میل خودم مجبور به فرار از آن وضعیت و آن اجتماع شدم و اکنون اینجا باشم و صدای سازمان رهایی زن فریادی باشد برای تمام زنانی که تحت ظلم و خشونت قرار میگیرند و کمک رسانی باشد برای تمام زنان سرزمین ایران و تمام دنیا و مخصوصاً کردها چون در مناطق آذربایجان غربی و مناطق کردنشین بیشترین تحقیرها و خشونتها را زنها میبینند و مجبورند که تحمل کنند چون صدایشان به جایی و فریادرسی نمیرسد، بیشتر از این حصار را خسته نمیکنم امیدوارم که صدای تمام زنان دنیا به گوش همه برسد. ممنون. /

لازمه خودم رو معرفی کنم .. من رعنا کریم زاده هستم . بیشتر من رو به عنوان یک فعال عرصه پناهندگی میشناسند . متأسفانه فعالیت در عرصه زنان به اون شکل جا نیافتاده . ما همیشه انگار در هم تنیده شده عرصه های فعالیت که بعضی وقتها یکی از اونها پنهان میشه . به هر حال همیشه من با سازمان رهایی زن بودم از بدو ورودم به استکهلم کشور سوئد . و امیدوارم باز هم ادامه پیدا بکند . سخنرانی داشتم در مورد خشونت خانگی در سوئد و در اروپا بطور خاص . فرایند .. تکوینی نقش زنان در جوامع کنونی و به طور مشخص در جوامع دموکراتیک و صنعتی تابعی از رویکرد شیوه زنان این جوامع در امر مبارزه .. بوده است .. مبارزه زنان و الیخص زنان کارگر .. اولین تکانها را به ساختمان قدرت سنتی وارد آورد اولین اشکال این تضرعات این مبارزه در شکل صنعتی مبارزات تبلور پیدا کرد و از این ره گذر بستر مناسبتری برای بوجود آوردن مبارزات و به رسمیت شناختن مطالبات اجتماعی و سیاسی زنان شکل گرفت .... پیگیری و عملی شدن مطالبات صنفی زنان به واسطه همگن شدن ... زنان کارگران در محیط کار .. و ایجاد پیوند با نهادهای سیاسی کارگران دیگر صورت پذیرفت . در خارج از محیط کار در فضای جامعه ... شکل گیری نهاد های غیر رسمی که به نوعی حامل مطالبات اکثر زنان بودند توانستند به ایجاد بهبودهای نسبی را تسریع بخشد . در این رهگذار کارکردهای نا مناسب فرهنگی و اقتصادی و سیاسی جامعه که وام دار گذشته بود بیشترین انسداد را در برابر زنان و جامعه قرار می داد . اما



### سخنران رعنا کریم زاده

### در کنفرانس سازمان رهایی زن

گسترش دامنه مبارزات اجتماعی و رشد بیشتر مناسبات بورژوازی حکومتها را ناگزیر ساخت تا در جهت همگرایی بیشتر با خواسته های مطرح شده به پیش روند ... و در برابر این مطالبات راهی بجز تمکین برای خود نیابند . کلیسا و مذهب و رسوبات فرهنگی گذشته نیز تن به این تمکین دادند .. با رشد و تکوسن هر چه بیشتر مناسبات سرمایه داری در عهد کنونی که در خود نابرابری های اجتماعی بخصوص در مورد زنان را دامن میزند . زن شتیزی بخشی از فرهنگ و قانون مصلحت .. در جوامع بشریست . که رسماً و عملاً از مجرای نهادهای مذهبی و دولتی این فرهنگ ترویج و نهادینه شده است . و چشم انداز امیدوارکننده ای برای تغییر این فرهنگ در حال حاضر در دست رس نیست . سخنانم را با ذکر یک نمونه عینی از خشونت خانگی به پایان میبرم . خانم ایوا .... که در سال 2004 ... در شهر محل سکونتش به نمایندگی پارلمان اروپا انتخاب میشود . او میگوید بیش از 20 بار از حد دشنام فراتر رفت و ... سیلی خشونت را آغاز کرد . به گفته او شوهرش همه چیز او حتی حساب بانکیش را کنترل میکرد . و بالاخره 5 سال طول کشید تا او توانست خود را راضی کرد از چنگ شوهرش فرار کند . این یکی از نمونه های زنان موفق در عرصه شغلی و اجتماعی است . در لایه های زیرین جامعه باید فاجعه ای در شرف وجود باشد . برای رسیدن به فردا روشن و برای دست یابی به دنیای بهتر چاره ای جز به رسمیت شناختن حقوق برابر انسانی متصور نیست . چاره ای جز فشار برای تغییر قوانین بالخص قوانین آموزشی به شکلی که کلیه موارد ستیزه سنتی با .... حذف گردد نداریم . چاره ای چون دست در دست هم گذاشتن برای تغییر این قوانین ساختن دنیای بهتر نداریم . به امید رهایی زن که رهایی جامعه است . /

### پیام تلفنی آزاده شیرازی به کنفرانس رهایی زن، استکهلم

**توضیحات مینو همتی :** یکی از کسانی که مدتهاست با ما همکاری داشته خانم آزاده شیرازی است . آزاده از فعالان حقوق زنان ؛ ویلاگ نویس که به خاطر فعالیتهاش مدتی قبل از ایران فرار کرده و در حال حاضر در ترکیه هست . آزاده شیرازی نویسنده است و در نشریه رهایی زن نوشته های او هست . دوست داشتیم که پیام خودش روبه کنفرانس بده و اینجا صدای ایشان رو از طریق تلفن داریم .



**آزاده شیرازی :** سلام خدمت همه دوستان خیلی خوشحالم که از راه دور من این روز ارزشمند رو به همه زنان و فعالینی که برای رهایی زن تلاش می کنند تبریک بگم . خیلی دوست داشتم در کنارتون بودم اما به خاطر تمام قوانین تبعیض آمیزی که متأسفانه مثل سایه همه جا همراهمون است نتوانستم . اما من به زنان بسیار قدرتمند و با انگیزه بسیار ایمان دارم و مطمئنم در راه برابری و رهایی زنان از حصارهای مرئی و نامرئی ... موفق خواهند بود همین طور که تاریخ مبارزات زنان این رو تا به حال ثابت کرده است . امیدوارم که هر روز ... به زنان چنین قدرتمندی که بر علیه بی عدالتی و تبعیض سکوت نمیکند افزوده بشود . /

## پیام تلفنی قاسم فرطوسی به کنفرانس رهایی زن، استکهلم



**قاسم فرطوسی :** سلام عرض میکنم به همه اونایی که صدای من رو میشنوند و از شما خانم همتی تشکر میکنم که از اینکه وقتتون رو به من دادید و صدای من رو میرسونید . من قاسم فرطوسی هستم فعال مردم عرب اهواز من روز پنجشنبه سر کارم دستگیر شدم که کارت شناسایی که خود دولت داده بود هنوز اعتبار داشت . من حقیقتش صحبتی که میخوام بکنم در مورد فعالیت ی که من داشتم و صدام رو میخوام به مردمی برسونم که کمک کنند که من را به جهنم جمهوری اسلامی نفرستند . من صدای مردم عرب اهوازی هستم که محروم بودند از همه لحاظ از لحاظ اب اشامیدنی از لحاظ زندگی از لحاظ اسایش از لحاظ کشت و کشتاری که به جوانان عرب اهواز میشد . البته من اولویت مردم خودم رو داشتم ولی در راستای بقیه هم بودم فعالیتهایی که میتونستم انجام بدم ؛ انسان دوستانه . ولی حقیقتش اولویتش مردومی هستم که پارسال

سازمان ملل اعلام کرد محرومترین شهر دنیا شهر اهواز است . و من از این میترسم که این این حکم و این تصمیمگیری که اداره مهاجرت سوئد گرفته رو اجرا کند . چون بحث مرگ و زندگی . من فعالیتیم از سال 2000 . من فعالیت سیاسی داشتم . از لحاظ اینکه خبرهایی میرسوندیم به شبکه ها و احزابی که در موردی که وضعیت مردم اهواز و سایتهایی که بودند ما عکس میفرستادیم خبر که صدامون به دنیا برسه که چه ظلمی این جمهوری اسلامی به ما میکنه . که متأسفانه در سال 2005 بعد از اون انتفاضه 15 آوریل و تظاهراتی که در شهر اهواز شد و موسساتی داشتیم که که کلاماً قانونی بودند که در زمان اصلاحات اینها مجوز گرفته بودند که از هفت خان رستم هم گذشته بود . من درخواستم از کسانی که صدای من رو میشنوند اینه که به من کمک کنند هرچوری که میتونند در حد توان خودشون . چون من از لحاظ روحی این روزها اصلاً خوب نیستم . بازهم میگم برگشتن من بستگی به مرگ و زندگی داره . باز هم تشکر میکنم . /

## ادامه ی صفحه ی 7

موضوع دیگری که دوست دارم به ان اشاره کنم موضوع ختنه زنان ست که همیشه این موضوع مختص کشورهای آفریقایی بوده است هر وقت اسمی از ختنه زنان می آید اذهان متوجه زنان آفریقای ؛ اتیوپیایی و سومالیایی میشود . ولی متأسفانه مشکل خیلی گسترده تر از این است به ترتیبی که در جوامع خاورمیانه و در جوامعی مثل کردها و بخصوص کردهای عراق این موضوع به شدت شیوع پیدا کرده و ظرف چند سال اخیر مخصوصاً به مسئله بزرگی تبدیل شده . این موضوع کمپین دیگری بود که ما ان کشورهای اروپایی را وادار به این کردیم که اجازه ندهند در اروپا ختنه دختران و مثله کردنشون صورت بگیرد . آخرین خبری که ما شنیدیم بخشی از سازمان دولتی که بهش میگن ..... که در ان تمام کشورهای اروپایی و جهانی یک بخش برای امدادهای اجتماعی در سطح جهان بودجه ای را به ان اختصاص میدند که در این رابطه انگلیس برای بار اول 35 میلیون پاند را برای مقابله با ختنه زنان اختصاص داده واین بودجه و اقدام بزرگی است که تا حالا برای مقابله با خشونت علیه زنان پرداخته شده است که هم زمان پارلمان اروپا هم اعلام کرد که آنها هم 13 میلیون پاند به ان اختصاص میدهند . اینکه تمام اروپا دارد تلاش میکند که خشونت علیه زنان و بخصوص زنان خارجی موضوع های روز بشود . این را متذکر شوم که کسانی که کیس پناهندگیشان را بر این اساس میگذارند این مسئله جزء مواردی شده که دراروپا به رسمیت شناخت شده و بر اساس آن به خانمها و یا خانواده هایشان پناهدگی میدهند . که این هم از دستاوردهای خوب بوده است . من سخنانم را کوتاه میکنم و یک بار دیگه میگویم که همه این تلاشها فقط تلاشهای سازمان ما نبوده ؛ تلاشهای انسانهای واقعی مثل خود شما و سایر دوستان و کسانی که در کشورهای دیگه تلاش میکنند . ما این فعالیتها و این مبارزاتمان نتیجه میدهد وقتی در کنار همدیگر باشیم و این جنبش رهایی زن را باید اینقدر قوی بکنیم تا بتوانیم با تمامی این مشکلات مبارزه بکنیم . /

## دیانا نامی

” در کنفرانس رهایی  
زن “

## بیروز باد جنبش رهایی زن

## تشکر و قدردانی:

از همکاری صمیمانه حمید خدانی عزیز با نشریه ماهانه رهایی زن کمال سپاس و تشکر را داریم.



سخنران مینو همتی

## در کنفرانس سازمان رهایی زن

اهرم فشاری برای عقب راندن ارتجاع اسلامی و شرکای غربیشان و کوتاه کردن دستشان از دست درازی به حقوق زن باشد. بخصوص در تونس که بدلائل تاریخی، بسیار تحت تاثیر جامعه فرانسه بوده و هست. در اینجا نقش فعالین جنبش رهایی زن در کشورهای اروپائی برای پیوند مبارزاتی زن با جنبش زنان در تونس و مصر مهم است و تماسگیری با مهاجرین مترقی این کشورها و همچنین در فضای مجازی میتواند در انتقال تجربیات موثر باشد.

مبارزه با نسبیت فرهنگی و بمیدان کشاندن نیروهای مدافع حقوق زنان در غرب باید جدی گرفته شود. نباید بهیوجه پشت زنان مبارز تونس و مصر را خالی گذاشت. باید همگان بدانند که ارتجاع اسلامی، دشمن حقوق برابر زن و مرد در هر سه عرصه محلی، منطقه ای و جهانی عمل میکند و لذا در مقابله با آن، جنبش رهایی زن باید در همجا و هر زمان حضور فعال داشته باشد و نیروهای جوان جامعه را بصف مقدم این مبارزه دعوت کند. ناگفته نماند که حضور فعال رفقای عراقی همچون پینار محمد در صف مقدم مبارزه با ارتجاع اسلامی در یک کشور عربی و نشریه المساوات که بعربی منتشر میشود نقش مهمی در توانمندی جنبش ما برای عقب راندن ارتجاع اسلامی در منطقه دارد.

شرایط جهانی و رسانه های مردمی میتوانند راه را برایمان هموار کند. اگر هنوز به نقش رسانه ها آنطور که باید و شاید پی نبرده ایم، تلاش حکومت اسلامی در ایران برای خفه کردن صدای وبلاگ نویسان و خبرنگاران، رسانای در بیداری نسل جوان و بمیدان کشیدنشان در این مصادف نابرابر اهمیتی غیرقابل توصیف دارد.

از همین فرصت استفاده میکنم و شما را به همکاری بیشتر با برنامه تلویزیونی رهایی زن جلب میکنم، گزارش فعالیتهای خودتان را با بینندگان ما در سراسر جهان سهیم شوید.

به امید توسعه و گسترش جنبش رهایی زن، روز جهانی زن برهنگان فرخنده باد./

## با سپاس از حضورتان در این کنفرانس

مارکسیسم منتخب خودش جناب بنی صدر راهم روانه تبعید کرد. پایمال کردن حقوق زنان و حجاب اجباری که جای خود دارد. بارها از زبان فعالین جنبش زنان در کشورهای عربی شنیده ایم که ما نمیگذاریم تجربه ایران تکرار شود.

سوال اینجاست که چگونه؟ اولین

گام ممانعت از تصویب قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلام است. بنظر میرسد که جنبش مدنی، سکولارها و زنان در مقابل اسلامیون سنگربندی محکمی کرده اند. در مصر انتخابات پارلمانی و تصویب ضربتی قانون اساسی باب میل اسلامیون با مانع و اعتراض عمومی روبرو شده است. در تونس نیز ترور یکی از رهبران اپوزیسیون سکولار بدست اسلامیون با واکنش شدید مردم روبرو شد و جریانات اسلامی حاکم را به عقب نشینی تاکتیکی واداشت.

بنظر میرسد توازن قوای کنونی در مصر و تونس تفاوتهای زیادی با ایران دوران خمینی دارد. اول اینکه جنبش مبارزه با خشونت علیه زنان در سطح جهانی و حتی در کشورهای موسوم به جهان سوم با حرکتیهای مانند یک میلیارد بپاخیزید، قاره های آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا را درنوردید و در فضای مجازی نشان داد نسل جوان برای این مبارزه به میدان آمده و این بنظر من پادزهری در مقابل نیش گزنده اسلامیون به حقوق زن در جامعه خواهد بود.

نکته دوم اینکه حتی در کشورهای اسلامزده وجود اینترنت و نسل جوانی که حاضر نیست مدیریتته را با ایدئولوژی عصر حجر عوض کند. راه را برای پیدایش و گسترش انواع سازمانها و گروههای مدافع حقوق زن و مدنیت هموار کرده است.

نکته سوم اینکه علیرغم به قدرت رسیدن اخوان المسلمین در این کشورها، افسار اقتصادی این جریان در غرب بسته شده است و بنابراین افکار عمومی در غرب میتواند

با سلام و ابراز خرسندی از حضور در جمع عزیزان در استکهلکم.

این مبحث را در کنفرانس گوتنبرگ آغاز کردیم و متن سخنرانیهای شرکت کنندگان در نشریه رهایی زن درج شده است. لذا برای شناخت دقیقتر از چگونگی پیدایش بختکی که در کشورهای عربی روی حق زن افتاده است، شما را به متن سخنرانی خودم رجوع میدهم. بله این بختک همان اخوان المسلمین است. لذا من سعی میکنم خیلی کوتاه صحبت کنم تا فرصت برای مشارکت همگان در این بحث فراهم شود.

در اینجا به مقاومت جانانه ای که جنبش زنان همگام و بعضا پیشاپیش جنبش مدنی و سکولار در کشورهای تونس و مصر سازمان داده میپردازم.

هرچند که بنظر میرسد فعالین جنبش زنان در مصر و تونس قافلگیر شده بودند، و بوی تعفن مومیائی های اسلامی هوای روزهای رهایی از حکومتهای خودکامه را مسموم میکرد.

فعالین جنبشهای زنان در این کشورها بسرعت به خیابان آمدند و در عین حال نگاهی به تاریخچه معاصر قدرت گیری اسلامیون بخصوص در ایران و عراق انداخته و به شمارش درسهای عبرت پرداختند.

نخستین درس عبرت اینکه به وعده و وعیدهای رهبران ارتجاع اسلامی هیچ اعتباری نیست. نمونه آن وعدهای خمینی مبنی بر اینکه "در حکومت اسلام، مارکسیستها هم آزادند" که در عمل نه تنها مارکسیستها را از دم تیغ گذراند بلکه حتی رئیس جمهور ضد

در قوانین ایران زن جایگاه خاصی دارد اما خاص بودن این جایگاه به معنی خوب بودن آن نیست در واقع

قانون ایران سعی کرده در ظاهر برخی قوانین خود مثل مهریه و نفقه را برای سرپوش گذاشتن به سایر قوانین ضد زن به عوام ارائه دهد و به نوعی خواسته باین ترفنداز طریق مادیات حقوق زنان را پایمال کند و از طرفی هم به جامعه جهانی نشان دهد که حامی حقوق زن است اما دراصل انسانیت او رابه راحتی پایمال کرده چراکه به راحتی وبا بررسی قوانین حاکم میتوان به این موضوع پی برد؛مثال روشن آن این است که یک دخترکه تابه حال ازدواج نکرده حق نداردبه راحتی وبدون نظردریاپدربزرگ خودباهرکس که مایل است زندگی مشترک داشته باشدچون قانون مدنی، ماده 1042میگویدنکاح دختر باکره اگرچه به سن بلوغ رسیده باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری اوست و هرگاه پدر یا جد پدری بدون علت موجه از دادن اجازه مضایقه کند اجازه او ساقط و در این صورت دختر می تواند با معرفی کامل مردی که می خواهد با او ازدواج نماید و شرایط نکاح و مهری که بین آنها قرار داده شده پس از اخذ اجازه از دادگاه مدنی خاص به دفتر ازدواج مراجعه و نسبت به ثبت ازدواج اقدام نماید. ودراصل وجودچنین قانونی صریحابه وی میگویدبین پدروعشقت یکی را انتخاب کن وخوب معلوم است که لطافت جنس زن هیچگاه نمیگذارد

یا از دست دادن و ناراحت کردن عزیزى به دیگری برسد و از این رو در اکثر اوقات ناچار به تسلیم میشود از جمله موارد دیگر قوانین ضد بشری موجود در ایران علیه زنان می‌توان به ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اشاره کرد که میگوید مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد. یعنی اگر زن نخواهد به هر عنوانی زندگی مشترکش را ادامه دهد؛ برای جدایی باید راه بسیار سختی را طی کند تا شایداز کسی که به هر دلیلی میل ادامه زندگی با او را ندارد جدا شود و حال باید پرسید که وقتی یک زن در قانون ایران حق انتخاب بدون اعمال نظر پدر درموردشریک آینده اش رانداشته و بعد از ازدواج نیز اجبارا باید با مردی که دلخواهش نیست زندگی را ادامه دهد و حق جدایی برایش در نظرگرفته نشده از نظرحقوق انسانی درکجا قرار دارد، در ادامه به ارائه موارد متعددن قض حقوق زنان درحکومت ایران خواهیم پرداخت تا شاید تلنگری باشد برای توجه هرچه بیشتر جامعه جهانی به زندان جمهوری اسلامی علیه زنان.

هرچند بحث در خصوص قوانین ضد زن جمهوری اسلامی از نگارش چندین کتاب هم فراتر خواهد رفت ،اما در این مقاله سعی در بیان برخی از کمترین مشکلات پیش چشم ، درباره زنان در جمهوری اسلامی ایران مینماییم، با این امید که توجه انسانهای آزاده را برای تغییر این قوانین جلب کرده باشیم.

تمکین در عربی به معنای اطاعت می‌باشد و قوانین حاکم بر ایران نیز از واژه تمکین در موارد متعدد برای زنان استفاده کرده است.تمکین در حقوق خانواده در ایران یعنی اطاعت زن از شوهر، مثلا برای تعیین محل سکونت مطابق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی ایران میگوید : زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد و یا در خصوص شغل زن به موجب ماده ۱۱۱۷ میگوید: شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود زن می‌باشد منع نماید.

در جایی دیگر به صراحت در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران عنوان کرده : ریاست خانواده از خصائص شوهر است .یعنی برای یک زندگی مشترک و انسانی برای مرد حق ریاست قائل شده و زن اگر در زمان عقد درخواست برخی ازاین حقوق را بطور رسمی در عقدنامه نکند، دادگاه در آینده و در صورت اعتراض زن به امور ذکر شده در بالا در خصوص محل زندگی و یا شغل توجه نخواهد کرد، مگر در شرایط بسیار خاص.

گاهها در آیین دادرسی مدنی ایران از واژه ای به نام تمکین خاص هم اسم برده شده و به این طریق برده داری جنسی را صراحتا بیان کرده و این چنین ذکر کرده که زن در قبال مرد وظیفه دارد خود را بطور کامل در اختیار وی قرار دهد و حق اعتراض هم ندارد ، البته لازم است اشاره کنیم توجه کوچکی هم به این نکته شده است که اگر زن در انجام وظیفه جنسی خود مانعی مشروع داشته باشد ، میتواند بطور موقت ازتمکین خاص امتناع نماید.

حال سوال اصلی اینجاست که اگر زنی مایل به سکونت در محلی که شوهر تعیین می‌کند نباشد چه ؟آیا باید به اجبار قبول کند؟

یا اگر زن شغلی که باب میل شوهرش نباشد را انتخاب کند آیا مجبور است از مرد اطاعت کند؟ آیا اگر زنی مایل به برقراری ارتباط جنسی با شوهرش نباشد و به قول قانونگذار ایران مانع مشروع هم نداشته باشد،مستحق نوعی تجاوز است؟

متأسفانه واژه انسان بودن وحق انتخاب برای زنان سالهاست با ورود شرع و قوانین شرعی جزوحلقه های مفقوده قوانین ایران شده است.

واینها همه بیان بخشی ناچیزاززندانی است که جمهوری اسلامی ایران با تصویب و اجرای قوانین ضد بشری خود برای زنان ساخته است. /

14.03.2013

یکی از مسائلی که برای آن همیشه تلاش می کنم و از اهمیت به سزایی برخوردار است انسانیت است. موضوعی که در ایران از آن بهرمند نبودم و به عنوان یک زن و انسان حقوقم پایمال شد و همیشه جنس دوم ونصف مرد به حساب می آمدم و نادیده گرفته میشدم. در کشور اسلامی و دارای قوانین اسلامی هر گاه اسم انسان به گوششان می خورد به آن جنسیت مرد می دهند و این نشانه یک جامعه مرد سالار است که زن جنس دوم و ضعیف است؛ که مرد یا مردانی باید از او محافظت کنند و تحت کنترل آنان باشد چون از نظر جمهوری اسلامی و جامعه ایران، زن عامل فساد و مشکلات بزرگی است از جمله تحریک مردان و سعی می کنند با پوشاندن حجاب بر سر زنان آنها را تحت کنترل خودشان در آورند و مانع فعالیت آنان در جامعه بشوند. من در ایران به عنوان یک زن حق و اختیار بدن خود را به عنوان یک انسان که حق شخصی هر فردی است را نداشتم و همیشه مردان از جمله پدر و یا همسر مالکیت بدن من را داشتند آنها بودند که برای تصمیم می گرفتند و من به عنوان یک زن دارای فکر و اندیشه مستقلی نبودم و همیشه دوست داشتم خودم برای زندگی شخصیم تصمیم بگیرم که از آن هم محروم بودم، چرا که مردانی بودند که تصمیم بگیرند و اگر من خواستار حق خودم باشم با مجازات تنبیه روبرو میشدم چرا که باید سکوت کنم تا دختر شایسته خانواده و فرد سالم از نظر آنها باشم. انتخاب همسر نیز به دست من نبوده و همیشه انتخاب شده بودم.

البته تنها گناه و مشکل من زن بودن نبود. من یک زن جوان بودم. جوان بودن نیز در ایران گناه و مشکل بزرگی است. جوانی یعنی شادی، یعنی عشق، یعنی حرارت و ماجراجویی و همه اینها در حکومت جانی اسلامی، حرام و گناه است.

حال فکرتش را بکنید؛ زن جوان در ایران چه معنایی دارد؟! زنان شهروند درجه چندم در حکومت اسلامی حاکم بر ایران هستند که از موقعیتی به غایت فرودست برخوردارند. حال در نظر بگیرید که یک زن جوان در ایران در چه زندانی بسر میبرد. عشق، شادی دو گناه ناخوشودنی برای زنان هستند.

من تلاش کردم تا از این حقوق پایه ای و ساده و در عین حال مهم و حیاتی برخوردار شوم، و البته در این کشور آزاد هم بیشتر تلاش می کنم و فراخوانم به همه انسانهای برابری طلب و آزادیخواه این است که صدای زن ایرانی را به گوش جهانیان برسانند و از هر طریقی به مبارزه بر علیه این حکومت جنایتکار بپردازند. به امید روزی که به ما زنان به عنوان ماشین سکس و دستگاه تولید مثل نگاه نکنند ما قبل از هر نسبتی انسانیم. /



من زنم من انسانم ...

فاطمه برندق



### کودکان کار و خیابان

#### شیرین شکرزاده

روزی از روزها دستم به خدا رسید  
از او پرسیدم  
کجاست خوشبختی؟  
کجاست جایگاه انسانی؟  
اینهمه چرا بدبختیم؟  
امتحان برای چه؟  
باز پرسان برای چه؟  
مگر من خود خواستم در این دنیا بیایم؟  
چرا نگذاشتی در آنجا که بودم بیاسایم؟  
فلسفه وجود شیطان چیست نمیدانم؟  
این انسان چیست نمی دانم؟  
بهشت چرا؟ دوزخ چرا؟ برای چه؟ برای کی؟  
اصلاً چرا وجود داریم ما؟  
اگر وجود داریم، پس چرا کمبود داریم؟  
چرا این چرا آن؟؟؟؟  
کلام امر را قطع کرد  
به من خندید و گفت  
آه های موجود چون من  
از کی مینالی تو؟!  
منم نادان چون تو  
منم حیران چون تو  
من کجا پند و فرمان  
و یا انجیل و قرآن  
سرنوشت ات گرو اعمال ات است  
بیهوده مکن خود را سرگردان  
فقط بدان که من و جود دارم و بس  
دگر خود را به حرف این و آن ملرزان  
جهان آینه کردار ات هست  
ضایع مکن وقت ات را به پرسان  
ز خود خبر ندارم ز کی ام تا به کجا  
چه رسد به موجودی به اسم انسان  
دنیا را بی یاری من بین  
ورنه میشوی پشیمان  
گر خواست ات اجرا شد من نیک خدایم  
ورنه گویی خیرام نبود بدین سان  
هنگامی که میرفت گفتم صبر کن صبرکن!  
پس این پیامبر، ملا و منبر ووو؟

یکی از واقعیت های تلخی که در جامعه ایران وجود دارد و تا به امروز از سوی رژیم ظالم جمهوری اسلامی به آن پرداخته نشده، معضل کودکان خیابانی است. کودکانی که به آنها اصلاً توجه نمی شود و آنها نمادی در جامعه هستند تا فقر را به نمایش بگذارند و بی عدالتی ها و تبعیض را در جامعه نشان دهند.

هر روزه در جامعه شاهد کودکانی هستیم که سر چهار راهها و پشت چراغ قرمزها مشغول فروختن کبریت، گل، فال و... هستند. کودکانی را می بینیم که با موجی از التماس در نگاهشان سد راه ماشین ها و عابرین پیاده می شوند و با التماس سعی در فروش آدامس و یا ورقی از فال دارند. دختر نوجوانی را می بینیم که مجبور است اسپند دود کند و شیشه ما شین ها را پاک کند تا شب گرسنه سر بر بالین نگذارد و آبرو و حیثیت خویش را به ناچیز نفروشد.

اگر به خیابانی که مسیر عبور ماشین ها است نگاه کنیم، همین که چراغ قرمز شد دختر کوچکی را می بینیم که با مادر خود منتظر است تا حرکت ماشین ها متوقف شود تا او بتواند بسته ای کبریت بفروشد، همین که ماشین ها می ایستند دخترک شیشه ماشین را با دستان کوچکش می زند و با التماس از راننده می خواهد یک بسته کبریت از او بخرد دخترک فکر می کند چون راننده سوار ماشین مدل بالا است به او کمک می کند ولی راننده سر او داد می زند که از ماشین دور شود. دخترک نگاهش به دختر کوچکی که در صندلی عقب ماشین نشسته می افتد که هم سن و سال اوست ولی به جای کبریت، عروسک در دستش است، در یک ماشین مدل بالا نشسته، کسی سر او داد نمی زند و به جای اشک، خنده بر لبانش نشسته است و برای به دست آوردن لقمه نانی صبح تا شب در خیابانها پرسه نمی زند. دخترک تمامی این تبعیض ها را خوب می فهمد و می داند ولی برای زنده ماندن ناچار است تلاش کند پس منتظر می ماند تا دوباره چراغ قرمز شود تا بسراغ ماشین دیگری برود. صاحبان این ماشین ها و کسانی که به این کودکان هیچ توجهی نمی کنند افرادی هستند که توسط رژیم جمهوری اسلامی به سرمایه دارانی بزرگ تبدیل شده اند این افراد بویی از انسانیت نبرده اند و فقط به فکر مال اندوزی و مقام هستند و انسانیت برای آنها معنایی ندارد.

سردمداران جمهوری اسلامی حق و حقوق این کودکان را دست چنین افرادی سپرده

است این رژیم فاسد از همان بدو تولد کودکان را به سوی فقر و نداری می کشاند تا خود به اهداف ننگینش برسد.

دل کوچک کودکان معصوم طاقت این همه سختی و مشقت را ندارد، دل کوچک شان نمی تواند این همه بی مهری را تحمل کند، این کودکان زیر بار فشار زندگی، فقر و فلاکت نابود می شوند. این کودکان قربانیان جمهوری اسلامی هستند.

بسیاری از خانواده ها به خاطر فقر و تنگدستی، برای امرار معاش و گذراندن زندگی، کودکان خود را به کار در خیابان وادار می کنند و این کودکان علیرغم داشتن خانواده از کوچکترین و ابتدایی ترین حقوق انسانی خود که حق آموزش و تحصیل است محروم مانده اند و به جای رفتن به مدرسه برای کار روانه خیابانها می شوند.

کودکان خیابانی دنیای معصومانه کودکی خود را رها کرده و به دنیایی قدم نهاده اند که بسیار بی رحم و خشونت آمیز است. این دنیای وحشتناک و تیره و تار را جمهوری اسلامی برای کودکان ساخته است.

کودکان خیابانی بهترین سالهای عمر خود را در خیابانها می گذرانند، آنها درست زمانی که باید پشت نیمکت مدرسه باشند، درست زمانی که باید فریاد شادی آنها در خیابانها بیچند و شادی را تجربه کنند، زمانی که باید دست نوازش پدر و مادر را احساس کنند و... آنگاه تلخی زندگی به سراغشان می آید، آنها را سر چهارراهها می نشانند، در همان خیابانها بزرگ می شوند کودکی خود را گم می کنند، این کودکان با عقده های روانی بزرگ می شوند و در خیابانها تبعیض را به خوبی می بینند و درک می کنند، آنها با بی مهری و کدورت ها و حقارت ها بزرگ می شوند و کینه ای از کل جامعه در دل خود جمع می کنند.

این کودکان همان آینده سازان فردای کشور ایران هستند که بازیچه سیاست های کثیف جمهوری اسلامی شده اند و هیچ نهاد و ارگانی وجود ندارد که از آنها حمایت کند و هیچ حق و حقوقی برای این کودکان وجود ندارد.

اگر بخواهیم این مشکلات و معضلات را ریشه یابی کنیم باید به عواملی از جمله فقر خانواده ها، توزیع نا عادلانه ثروت در سطح جامعه، خصوصی شدن آموزش و پرورش، اعتیاد و طلاق والدین اشاره کنیم. باعث و بانی تمامی این مشکلات کسی جز رژیم جمهوری اسلامی نیست./



### ”زن و ادیان“ بخش پایانی

#### شهلا وکیلی نجره

کمی دورتر در شبه جزیره عربستان محمد ظهور می کند، مردی تأثیر پذیرفته از سه تمدن بزرگ دوران خود، روم شرقی در شمال، ساسانیان قدرتمند در شرق و حبشه در شرق آفریقا.

محمد که با تجربه از ادیان پیشین خود (یهودیت، مسیحیت) در اندیشه کنترل جامعه عرب آن زمان را در سر می پروراند و با این آگاهی که زنان پتانسیل عظیمی در سازماندهی جامعه دارند پایه های دین خود را با همفکری زنی که آن روزها دارای قدرت سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بود بنا نهاد. او با خدیجه پیمان زناشوی بست، خدیجه که دارای نفوذ سیاسی و اقتصادی زیادی بین قبایل اعراب داشت محمد را مسئول کارهای اقتصادی خود کرد و او را در قالب کاروانهای تجاری به اطراف می فرستاد تا با افکار مردم آشنا و تحقیقات خود را پیرامون دین جدیدش تکمیل کند. این رفت و آمدها نقش مهمی در بلوغ فکری و آگاهی محمد داشت. با اعلان آشکار دین اسلام از جانب محمد، او خود را خاتم انبیا، دین اسلام را آخرین دین از جانب خدا برای مردم برشمرد. انقلابی جدید در شبه جزیره عرب با آزادی برده داری و ممنوعیت زنده بگور کردن دختران آغاز شد و اولین کسی که به دین محمد ایمان آورد خدیجه بود و محمد را پیامبر خود برشمرد و از او پشتیبانی کرد، زنی که از جاهلیت و

ارتجاع جامعه و حاکمیت مطلق مرد سالار آن زمان خود را در پشت تابوهای جنسیت گرایبی مخفی کرد و به امید بهبود شرایط بهتر از مردی حمایت کرد که در برابر نظام مرد سالار و حاکمیت مرتجع آن دوره بها خواسته بود.

دین محمد نیز به مانند ادیان قبلی خود نتوانست زنان جامعه را اقناع کند هر چند دختران را از زنده به گور کردن نجات داد اما با پوششی دیگر سرکوب جنس زنان ادامه یافت و این بار به شیوه ای سیستماتیک در نظام خاصی به نام خانواده و از طریق قوانین اسلامی و حدیث و روایات به ریشه بردگی زنان در این نظام فئودال عمق بخشید، بطور مثال ازدواج محمد با عایشه دختری 9 ساله و ازدواج با زنان متعدد به بهانه بی سرپرست بودن.

اینها قوانینی هستند که هم اکنون نیز زنان مجبور به پیروی از آن هستند که نتیجه آن ازدواج هایی است که منفعی را برای نظام مردسالار با خود به همراه دارد. با شکل گیری حکومت اسلامی، حذف تدریجی ارزش های باقی مانده در جوهر زن و جامعه شدت یافت و آن را به شکل درختی خشکیده تر و بی جان تر درآورد.

استحکام و رسمیت دولت اسلامی به حاکمیت فرهنگ مردم محور بر جامعه و زنان افزوده و با گسترش نظام زنجیرهای بردگی زنان مستحکم شد و شأن زن، مادر تا حد کنیزگی، جاریه گی و زندگی در حرم سرا تا به امروز تنزل یافته است. با رشد فرامین اسلام و با زور شمشیر زنان را مجبور به پیروی از احکام ضد بشری ایدئولوژیک اسلام کردند، دینی که قرار بود انسانیت را ترویج دهد خود تبدیل ضد ارزش ترین احکام آن دوران تا به امروز شد.

با این تفاوت که این احکام ضد انسانی در قبال زنان و حتی مردان از کلام خدا جاری می شد و سر پیچی از آن بمعنی دشمنی با خدا تلقی می شد و با شدید ترین مجازات جواب داده می شد. احکام قرون وسطایی سنگسار و اعدام که از دین یهودیت بجا مانده بود با شکلی خشن تر در اسلام اجرا می شود.

کوچکترین انتقاد را با بدترین مجازات (حد) پاسخ می دهند. در مورد خشونت دین اسلام در برابر زنان مطالب بسیاری نوشته شده و

همگان از هویت ادیان آگاه هستند. بعد از گذشته حدود 2500 سال از ظهور اولین دین تا به امروز جامعه زنان زیر فشار و سرکوب هم از طرف ادیان و هم از جانب دیدگاه مردسالارانه جامعه و حکومت های مذهبی به طوری که در این چند سال با انقلابات کشورهای عربی به نام آزادی از دست دیکتاتورهای منطقه هیچ تغییری در رفتار با زنان مشاهده نشده و اوضاع با ظهور گروه های اسلامی (اخوان و سلفی) رو به بدتر شدن هم می رود. مشارکت زنان در انقلابات کشورهای عرب بصورت کمی باقی مانده است. هر چند زنان در پیشرفته ترین سازمانها جای گرفته اند اما همواره با تأثیرات سنگین فئودالیسم و فشار قالبها و دگماهای اسلام غیر حقیقی روبرو مانده و گویی در جامعه به نقطه صفر رسانده شده اند. اگر امروزه هم وجود این تأثیرات را به شکلی سنگین در نظر بگیریم، مشاهده می شود که این انقلابها فایده چندانی برای جامعه و زن در برداشته و کاملاً عکس آن، باعث پسرفت و در مقایسه با تجارب گذشته، دفن شدن آنان در ظلمت و تاریکی شده است. به همین دلیل، هم جامعه و هم زنان؛ نیاز حیاتی به روشننگری دارند که در این بین زنان باید بیش از همه آن را گسترش داده و بدان احساس نیاز می کنند.

به طور کلی چه در سیر تاریخ تمدن و چه امروز، دیدگاه رایج نسبت به زن، بیانگوی حقیقت زن نیست. زیرا تاریخ و دستاوردهایی که زن بخصوص در آغاز زندگی اجتماعی و در تمامی ادوار مختلف تاریخ آفرید، نادیده گرفته می شود. در حالیکه احساسات زرف زن در تعالی بخشیدن، همبستگی، حفظ ارزشهای انسانی و افکار و اندیشه های زن در زیبا ساختن و دستیابی به حقیقت زندگی، حاکی از نیروی عظیم و بزرگواری زن است. دیدگاه زن نسبت به زندگی و پیرامون خود همچون نور و روحی است که به وجود جامعه دمیده شود و بی بهره ساختن جامعه از نیروی خلاق زن، منجر به یکنواختی، تکررنگی و تیره بودن زندگی و دیدگاه بشر می شود.

خلاصه اینکه تا زمانی که دیدگاه ما بطور کلی و ریشه ای تغییر نیابد، مسئله ی زن نیز همچون یک معضل انسانی، باقی خواهد ماند. از این جهت نیز باید آواز آزادی زن را سرداد و دیدگاه دموکراتیک و روشنگرانه زن را همچون آلترناتیو ارائه داد.

**به سازمان رهایی زن پیوندید**

Tel: ۷۰۴۹-۹۲۸(۲۱۰)۱

Fax: ۸۶۳۳-۷۵۴(۷۱۷)۱

www.RahaiZan.org

رهايي زن، تنها با رهايي انسان و در بيان اقتصادي آن؛ با رهايي کار از سرمايه ميسر است.

کلارا زنگین





### زندگی "کارگران سکس" بر صحنه ی تئاتر آلمان

خانه ی "تئاتر آلمان" در گوتینگن نمایشنامه ای را به روی صحنه آورده است که زندگی شخصیت های آن، سرنوشت زنان خودفروش در آلمان را باز می تابد: "نور سرخ". خارجی ها، نیمی از این زنان روسپی را تشکیل می دهند.

بنا بر آمار غیررسمی حدود ۴۰۰ هزار زن تن فروش در آلمان کار می کنند. گروه تئاتر "ورک گروپ ۲"، با الهام از زندگی واقعی این زنان که به آنها "کارگران سکس" یا "کارگران روسپی خانه" نیز گفته می شود، نمایشنامه ی "نور سرخ" را در خانه ی "تئاتر آلمان" واقع در شهر گوتینگن (ایالت نیدرزاکسن) به روی صحنه آورده است.

#### پژوهش، پایه ی نمایش

یولیا راسلر، کارگردان این گروه، برای آشنایی با شرایط کار این "کارگران سکس"، ابتدا با ده تن از آنان در شهرهای مختلف آلمان به گفت و گو نشست است. حاصل این مصاحبه ها بیش از ۵۰۰ صفحه یادداشت و نوشته بوده است. نمایشنامه ی "نور سرخ"، عنوانی که

به شغل روسپی گری اشاره دارد، الهام گرفته از این پژوهش اجتماعی و برآیند مصاحبه ها و گفت و گوهای آنست. دکور صحنه نیز که مانند ویتترین مغازه های لوکس ساخته شده، با روابط حاکم بر این شغل هم خوان است. سه نوازنده ی پیانو، ویلون و ویلون سل با نواهایی در خور متن و این رابطه ها، این نمایشنامه را همراهی می کنند.

در نمایشنامه ی "نور سرخ"، تماشاگر به طور مستقیم با این زنان آشنا می شود: یکی از آنان، سوتا نام دارد؛ زنی بلغاری که به خاطر تأمین هزینه ی زندگی فرزندانش به این شغل روی آورده است. او برای تماشاگران تعریف می کند که روزی پسرش پیش از خوردن یک تکه نان روغن مالی شده، معصومانه از او می پرسد که آیا می تواند همه ی آن نان را بخورد یا باید نیمی از آن را برای روز بعد نگاه دارد. این پرسش سبب شده که سوتا به فکر "پول درآوردن" بیفتد و به خیل تن فروشانی که در روسپی خانه ها یادر "کاروان های عشق" کار می کنند، بپیوندد.

#### یولیا راسلر، کارگردان گروه "ورک گروپ ۲"

محل کار سوتا، یکی از این "کاروان های عشق" است که معمولاً در گوشه های خلوت این و آن شهر پارک شده اند. او تمام روز در انتظار مشتری های همیشگی اش در این "کاروان عشق" می نشیند. سوتا در مورد کاری که انجام می دهد، می گوید: «این هم شغلی است، مثل همه ی شغل های دیگر.» درآمد دولت آلمان از مالیات صاحبان این شغل و راندندگان فاحشه خانه ها، هر سال حدود ۱۵ میلیارد یورو است. دست کم ۳۲ مشتری در روز

در نمایشنامه ی "نور سرخ"، زنان دیگری هم به سخن می آیند که قصد دارند "دست از این کار بکشند"، ولی "قراردادهایی که با واسطه های عشق بسته اند" مانع اجرای این تصمیم است. این "کارگران سکس" که اغلب به دلیل اضطرار مالی به این کار تن در داده اند، از این که در غربت مجبور به فروش تن خود شده اند، رنج می برند و خوشحالند که "شبها می توانند پس از روزی طولانی، وقتی دیگر تن و فکرتان هیچ گونه نزدیکی ای را قبول نمی کند، زیر پتوی گرمی بخزند و استراحت کنند". در قرارداد اغلب این زنان نوشته شده که باید دست کم در روز، از ۳۲ مشتری پذیرایی کنند.

#### انگیزه های گوناگون

تنگدستی و تأمین هزینه ی زندگی فرزندان، تنها دلایل پیشه کردن این شغل از سوی "کارگران سکس" نیست. یک کمک دندان پزشکی، در این نمایشنامه می گوید که همیشه به "مردان عوضی" علاقه داشته، و از آن گذشته خوشحال است که با این کار "خیلی سریع" می تواند پول درآورد. دومینا، زنی دیگر از این طریق دریافته که می تواند به مردان فرمان دهد و آنان باید از او حرف شنوی داشته باشند.

#### صحنه ای از نمایشنامه ی "نور سرخ"

نقش اجتماعی روسپی خانه، به عنوان ماوای کسانی که از تنهایی رنج می برند، نیز در این نمایشنامه برجسته شده است: گرتا داستان زندگی یکی از مشتری های دائمی خود را بازگو می کند که هر بار از وحشت دوری از او، وقتی در آینده به بیماری فراموشی مبتلا شود و او را به خانه ی سالمندان منتقل کنند، به گریه می افتد و گرتا هم هر بار مجبور است به او بگوید: «ناراحت نباش. وقتی بردنت خانه ی سالمندان، می آیم آنجا ملاقات.»

همه ی بازیگران روسپی نمایشنامه ی "نور سرخ"، بر سر اهمیت نقش اجتماعی ای که بازی می کنند، توافق دارند و این امر را که با این حال جامعه پذیرای آنان نیست، مورد انتقاد قرار می دهند.

#### بررسی تئاتری همه سویه

به نوشته ی گزارش گر دوپچه وله، کارگردان نمایشنامه ی "نور سرخ" همه ی زاویه های مسئله ی تن فروشی را بررسی کرده و از طرح هیچ تابویی ابا نکرده است.

در پایان این نمایشنامه، از تماشاگران خواسته می شود که به "کارگران سکس"، یعنی به بازیگرانی که در ویتترین روی صحنه خود را عرضه می کنند، تلفن کنند و با آنان قرار دیدار بگذارند. یولیا راسلر، در این رابطه می گوید: «به این ترتیب فاصله ی بین صحنه و سالن برداشته می شود.»

#### آنلیکا فورنل در نقش "گردا" از تنهایی "مشتری هایش" سخن می گوید

به گفته ی این کارگردان، برای از بین بردن این فاصله، از نشان دادن نقش واسطه ها هم صرف نظر شده است: «ما می توانستیم با واسطه ها و صاحبان فاحشه خانه ها هم مصاحبه کنیم. ولی قرار شد که در این نمایشنامه تنها دیدگاه "کارگران سکس" مطرح شود تا رابطه ی مستقیمی بین آنان و تماشاگران به وجود بیاید. در پایان خود تماشاگر، می تواند نقش مشتری را بازی کند.»

#### لینک خبر:

<http://www.dw.de/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B3%DA%A9%D8%B3-%D8%A8%D8%B1-%D8%B5%D8%AD%D9%86%D9%87%DB%8C-%D8%AA%D8%A6%D8%A7%D8%AA%D8%B1-%D8%A2%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86/a-16733411>

برای همکاری با سازمان رهایی زن میتوانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تماس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: **فیروزه فرهی**  
تلفن تماس: 858-531-1344  
ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)  
Location: 5240 fiore TER #213  
San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهایی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلایر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: **دیانا نامی**

تلفن تماس: 00447862733511  
ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: **مینو همتی**

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

استکهلم: **بری زارع**

تلفن تماس: 0046762308064

**رعنا کریم زاده**

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: **سالار کرداری**

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: **آفاق وکیلی**

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: **شراره رضائی**

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: [Shararehrezaei.p@gmail.com](mailto:Shararehrezaei.p@gmail.com)

## تلویزیون رهایی زن

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته روزهای جمعه 17:30 به وقت تهران و باز پخش، شنبه ها 17:30 به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

مینو همتی از نوامبر سال 2004 به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و معضلات زنان در ایران و خارج از ایران را با میهمانان برنامه به بحث میگذارد.

